

# مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور

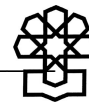


## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول - تعاریف
۲.....	۱-۱. فرهنگ
۴.....	۱-۲. توسعه
۶.....	۱-۳. توسعه فرهنگی
۷.....	۱-۴. فقر فرهنگی
۸.....	۱-۵. مظلومیت فرهنگ
۱۰.....	فصل دوم - برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی
۱۱.....	۲-۱. برنامه‌های فرهنگی قبل از انقلاب
۱۳.....	الف) سیاست فرهنگی کشور پیش از انقلاب
۱۵.....	ب) کاستی‌های برنامه‌های فرهنگی پیش از انقلاب
۱۶.....	۲-۲. برنامه‌های فرهنگی کشور پس از پیروزی انقلاب
۱۷.....	الف) فرهنگ در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۱۹.....	ب) فرهنگ در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۱۹.....	ج) فرهنگ در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲۰.....	د) فرهنگ در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲۰.....	هـ) مظلومیت فرهنگ در برنامه‌های توسعه
۲۲.....	و) راهکارهایی جهت تدوین برنامه پنجم
۲۳.....	فصل سوم - دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی
۲۶.....	۳-۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۸.....	الف) سیاست‌گذاری در شورای عالی انقلاب فرهنگی
۳۲.....	ب) جایگاه مشارکت فرهنگی در سیاست‌های شورا
۳۳.....	۳-۲. آموزش و پرورش
۳۵.....	الف) نگاهی به نظام آموزشی و دیدگاه‌های حاکم بر برنامه‌های درسی موجود
۳۶.....	ب) راهکارهای اصلاح نظام آموزش و پرورش

۳۷	..... آموزش عالی
۳۰	..... الف) آسیب‌ها و چالش‌های سیستم آموزش عالی
۴۱	..... ب) راهکارهایی برای توسعه فرهنگ در نظام آموزش عالی
۴۲	..... ۳-۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴۲	..... الف) اهداف و وظایف
۴۴	..... ب) چالش‌های موجود در حوزه فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴۵	..... ۳-۵. صدا و سیما
۴۷	..... ۳-۶. کمیسیون فرهنگی مجلس
۴۹	..... ۳-۷. شوراهای اسلامی (شهر و روستا)
۵۰	..... ۳-۸. نقش وسایل ارتباط جمعی
۵۲	..... فصل چهارم - مدیریت و مهندسی فرهنگی
۵۴	..... ۴-۱. وضعیت مدیران فرهنگی در کشور
۵۵	..... ۴-۲. مهندسی فرهنگی
۵۸	..... فصل پنجم - جایگاه دولت در حوزه فرهنگ
۵۹	..... ۵-۱. اختیارات دولت
۶۰	..... ۵-۲. پیشنهادهایی درباره دخالت بهینه دولت
۶۰	..... فصل ششم - راهکارهای کلی
۶۰	..... ۶-۱. راهبردی
۶۱	..... ۶-۲. مفهومی
۶۱	..... نتیجه‌گیری
۶۲	..... منابع و مآخذ



## مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور

### چکیده

با توجه به نقش والای فرهنگ پس از انقلاب اسلامی و افزایش روزافزون تهاجم فرهنگی غرب، بحث ترویج و توسعه فرهنگی همواره مدنظر مقام معظم رهبری بوده و ایشان در سخنان خود مکرر به رفع مظلومیت از فرهنگ در جامعه تأکید کرده‌اند:

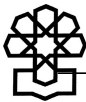
«مقوله فرهنگ همان‌طور که اهل درد و اهل سوز می‌دانند، در کشور ما یک مقوله مظلومی است. انقلاب ما مبتنی بر یک منش فرهنگی و یک نگرش فرهنگی بود و هر حرکت ارزشی این خصوصیت را دارد. ما بایستی بیش از پیش به تلاش فرهنگی می‌پرداختیم. تلاش فرهنگی اسلامی، یعنی روشن کردن و تبیین فرهنگ اسلام با همان وسعتی که مفهوم و معنای فرهنگ دارد، دور از انحراف و دور از خرافه‌گویی و دور از تنگ‌نظری و جمود و دور از ملاحظه‌کاری و ترس از این و آنکه حالا مثلاً در دنیا این‌جور است»<sup>۱</sup>.

مظلومیت فرهنگ در جامعه را می‌توان ناشی از عدم برنامه‌ریزی صحیح، ناکارآمدی و ناهماهنگی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و موازی‌کاری آنها، فقدان مدیران لایق فرهنگی و کارشناسان فرهنگی و نبود نظام مدیریت صحیح و مهندسی فرهنگی جامع دانست. در این گزارش سعی کرده‌ایم ضمن بررسی آسیب‌ها و چالش‌های موجود در این حوزه به تبیین راهکارهایی برای رفع آنها بپردازیم.

### مقدمه

فرهنگ به‌مثابه روح و پیکر اجتماع است که موجب حیات و بقای جوامع می‌شود. در یک جامعه، فرهنگ در تمام اجزاء زندگی اجتماعی جاری و ساری است و نمی‌توان محدوده و مرز مشخصی برای آن قائل شد. منشأ و سرچشمه تمام اعمال انسان فرهنگ است و با توجه به ارزش‌های فرهنگی است که هر انسان ارزش، مقام و جایگاه خود را پیدا می‌کند. پس فرهنگ «بنیان زندگی»

۱. مقام معظم رهبری، در دیدار با اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۱/۵/۵.



را تشکیل می‌دهد.

نظر به اینکه فلسفه وجودی و هدف اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، افزایش روح معنوی و توسعه فرهنگ دینی در جامعه بوده است، پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره)<sup>۱</sup> و پس از ایشان مقام معظم رهبری<sup>۲</sup> همواره بر لزوم توسعه و اصلاح فرهنگ و مقابله و مواجهه با تهاجم فرهنگی دشمنان انقلاب که به انحای مختلف در صدد نابودی و تضعیف فرهنگ جامعه ما هستند، تأکید و سفارش فرموده‌اند.

در چنین فضایی، تلاش همه‌جانبه مدیران ارشد فرهنگی و اجرایی و تمام دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی جامعه برای مواجهه با ناتوی فرهنگی دشمنان - که مقام معظم رهبری در سخنانشان<sup>۳</sup> به آن اشاره فرمودند - و حفظ و گسترش فرهنگ ناب محمدی (ص) بسیار ضروری و حیاتی می‌نمود، اما متأسفانه ضعف مدیریت راهبردی، فقدان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب، عدم هماهنگی دستگاه‌ها، عدم استفاده و بهره‌گیری از نظر کارشناسان و نخبگان حیطه فرهنگ، نادیده گرفتن فرهنگ در نظام آموزشی و... موجب شد تا مقام معظم رهبری در دیدار مورخ ۱۳۸۶/۶/۴ خود با دولتمردان، ضمن جدی‌تر گرفتن سند چشم‌انداز توسعه، بر لزوم رفع مظلومیت از فرهنگ تأکید کنند.

سخنان رهبری نشان‌دهنده این واقعیت تلخ است که توسعه فرهنگی کشور با چالش‌های بسیاری مواجه است. بخشی از آسیب‌های حوزه فرهنگ از موازی‌کاری دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و ورود افراد غیرکارآمد به حریم فرهنگی کشور، کاستی‌های برنامه‌ریزی و عدم مدیریت راهبردی ناشی می‌شود. در این گزارش ضمن تبیین چالش‌های موجود، تا حدودی به ارائه راهبردهای مناسب برای رفع آنها پرداخته‌ایم.

## فصل اول - تعاریف

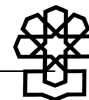
### ۱-۱. فرهنگ

فرهنگ، مفهوم بسیار پیچیده‌ای است که تعاریف متعدد و گسترده‌ای از آن ارائه شده است. در ادبیات و کلام فارسی، واژه فرهنگ از دو بخش تشکیل شده است: «فر» پیشوند +

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، «پیام به اعضای ستاد انقلاب فرهنگی»، ۱۳۶۳/۹/۱۹، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

۲. مقام معظم رهبری، سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج، ۱۳۶۸/۴/۱۹.

۳. مقام معظم رهبری، دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.



«هنگ» از ریشه تنگ<sup>۱</sup> اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن و فرهنگ) هر دو مطابق است با ادوکت<sup>۲</sup> و ادوره<sup>۳</sup> در لاتین که به معنای کشیدن و به معنای تعلیم و تربیت است). همچنین به معنای فرهنگ نیز آمده است که به معنای علم، دانش، ادب و کتاب لغت فارسی است.<sup>۴</sup> در فرهنگ معین نیز این واژه به معنای ادب (نقش) تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم، معارف و هنرهای یک قوم، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبانی و شرح آنهاست و نیز کاریز آب تعریف شده است.<sup>۵</sup>

در لغت عرب، فرهنگ با کلمه «الثقافه» بیان می‌شود و به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت است، سپس به معنای استعداد فراگیری علوم، صنایع و ادبیات به کار رفته است.<sup>۶</sup> ریشه لاتین این واژه، برگرفته از واژه کولتور<sup>۷</sup> فرانسوی و کالچر انگلیسی است. این کلمه به معنای کشت و کار، آباد کردن، کاشتن زمین و بارور ساختن بوده است، ولی به تدریج در ادبیات و علوم راه یافت و در قرن ۱۸ میلادی نویسندگان آن را به معنای پرورش روانی و معنوی به کار بردند.<sup>۸</sup>

از این تاریخ کالچر بر اساس تعریف فرانسوی آن به معنای پرورش روح و جسم به کار برده شد و در زبان آلمانی با تغییراتی مواجه شد که از آن به پیشرفت فکری و اجتماعی انسان و جامعه بشری تعبیر شد.<sup>۹</sup>

از نظر اصطلاحی تعاریف بسیاری از فرهنگ به وسیله علما و دانشمندان اسلامی و غربی ارائه شده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

امام خمینی (ره)<sup>۱۰</sup> در مورد فرهنگ به نکاتی اشاره می‌نماید:

۱. فرهنگ در هر جامعه دخالت اساسی دارد.

۲. فرهنگ، هویت و موجودیت جامعه را تشکیل می‌دهد.

۳. در جامعه، چنانچه انحرافی در فرهنگ رخ دهد، اگرچه آن جامعه در ابعاد اقتصادی،

1. Thang

2. Educate - Education

3. Endure

۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱۱، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱۳۲.

۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، صدرا، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳۸.

۶. معلوف، لویس، المنجد، ترجمه محمد بندریگی، تهران، ایران، ۱۳۸۰.

7. Culture

۸. شاه حسینی، محمدرضا، «مهندسی فرهنگی بایدها و نبایدها»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ج ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰.

۹. همان.

۱۰. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۵۰.



سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوک و پوچ و میان تهی خواهد بود.  
۴. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته به فرهنگ جوامع دیگر بوده یا از آن تغذیه کند، دیگر ابعاد جامعه نیز به جانب مخالف گرایش پیدا کرده و در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمامی ابعاد از دست می‌دهد.

مقام معظم رهبری نیز در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی<sup>۱</sup> فرهنگ را به معنی اعتقادات و خلیقات دانسته و با بیان اینکه فرهنگ عمومی از اعتقادات و خلیقات سرچشمه گرفته است، به این نکته اشاره کرده‌اند که مؤلفه‌های فرهنگ عمومی چنانچه از اعتقادات و خلیقات سرچشمه بگیرند، فرهنگ عمومی که به وجود می‌آید با فرهنگ مادی، ثروت، جاه و مقام متفاوت خواهد بود.

ادوارد تیلور فرهنگ را به معنای دانش، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و سایر یافته‌های اجتماعی انسان به‌کار می‌برد.<sup>۲</sup>

آدام کوپر در تعریف فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ شیوه زندگی یک ملت است که الگوهای قراردادی از تفکر و رفتار شامل ارزش‌ها، عقاید، مقررات، سلوک، سازمان‌های سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و امثال آن را که از طریق یادگیری و نه توارث زیستی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، دربرمی‌گیرد».<sup>۳</sup>

اما به دنبال تشکیل کنفرانس جهانی فرهنگ و توسعه در مکزیکوسیتی در سال ۱۹۸۲، یونسکو با رویکرد معنوی و مادی تعریفی از فرهنگ ارائه داد که می‌تواند مبنای عملی و کار فرهنگی جهان باشد. بنابر این تعریف فرهنگ: «مجموع کامل مشخصه‌های روحی، مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، حقوق اساسی انسانی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات نیز می‌شود».<sup>۴</sup>

البته تجمیع آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری از جامعیت بیشتری برخوردار است. چنانچه ویژگی‌هایی که در نظریات این دو بزرگوار وجود دارد، مورد اهتمام قرار گیرد، روحی تازه به فرهنگ عمومی جامعه بشری دمیده می‌شود.

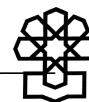
## ۲-۱. توسعه

۱. مقام معظم رهبری، در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، رمضان ۱۳۷۹.

2. Tylor. E.B., Primitive Culture, Newyork, 7 th.ed. 1924, p.1.

3. Kuper, Adam and Kuper, Jessica, The Social Encyclopedia, NewYork, 1985, P.178.

۴. یونسکو، ۱۹۸۲.



واژه توسعه را در زبان‌های اروپایی Development می‌گویند: این واژه از Develop گرفته شده است و معنای آن آشکار شدن، از پوسته و از غلاف درآمدن است. امروزه، واژه توسعه در فرهنگ عمومی مردم جهان رواج تام یافته و اکثر مردم خواهان نیل به آن هستند.<sup>۱</sup>

تا اواخر دهه شصت، توسعه فرایندی صرفاً اقتصادی به‌شمار می‌آمد و شاخص‌های اقتصادی معرف توسعه بودند، از آن پس به تدریج «اقتصادگرایی توسعه» رنگ باخت و هریک از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مفهوم و تعریف توسعه تغییر کرد و نقد تعاریف اقتصادی توسعه آغاز شد، تا جایی که این مسئله به نهضتی جهانی مبدل شد و مجامع بین‌المللی رسماً به مسئله توسعه فرهنگی پرداختند. برآیند کلی این نهضت در عبارت «فرهنگ‌گرایی توسعه» خلاصه می‌شود.<sup>۲</sup>

توسعه فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزارها، روابط مادی، معنوی و بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی و... بوده است و انسان در این جریان می‌تواند به تعالی و کمال برسد. این تعریف دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. توسعه یک جریان پویاست، نه ایستا.

۲. رشد مداوم در آن لحاظ شده است.

۳. این توسعه همه‌جانبه است و فقط اقتصادی نیست.

۴. توسعه در این تعریف هدف‌دار است و محور توسعه، انسان، تعالی و کمال اوست.<sup>۳</sup>

دادلی سیرز توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده وی توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین وجهه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد.<sup>۴</sup>

متفکران و اندیشمندان، تعاریف گوناگونی از توسعه ارائه کرده‌اند، اما رهبر حکیم و فرزانه کشورمان معتقد است که: «مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران

۱. عباسی، رضا. «مؤلفه‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن»، قرآن و توسعه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶.

۲. همان، ص ۲۶۶-۲۷۷.

۳. فرمهبینی فراهانی، محسن، آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی، پژوهشی در باب آسیب‌های توسعه فرهنگی دینی در دو دهه گذشته انقلاب اسلامی، تهران، عرش پژوه، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

4. Dudley, Seers, "The Meaning of Development in Development Theory", ed. By David Lehman, Frankcass, 1977.



است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد، ... فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ»<sup>۱</sup>.

بنابراین تعریف، توسعه و حفظ فرآورده‌های فرهنگی ملی در کشور از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا فرآورده‌های فرهنگی ضامن اصلی توسعه مستقل می‌باشند.

توسعه از دو نظر قابل بحث است:

۱. اهداف و آرمان‌های توسعه،

۲. فرایند تاریخی توسعه.

منظور از فرایند تاریخی توسعه، فرایندی است که کشورهای غربی آن را پیموده‌اند و بسیاری از بخش‌های این فرایند به دلیل شرایط بومی و فرهنگی کشورهای اسلامی قابل تقلید و اقتباس نیست. ولی توسعه دارای اهداف و آرمان‌هایی است که باعث ارتقای مادی و معنوی جوامع انسانی می‌شود که این بخش از توسعه مورد توجه اندیشمندان مسلمان و کشورهای اسلامی است.

از آنجا که در افق سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، از جامعه ایرانی با عنوان جامعه‌ای توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی، انقلابی و ... یاد شده است، توجه به این مهم ضروری می‌نماید.

### ۳-۱. توسعه فرهنگی

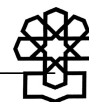
توسعه ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها توسعه فرهنگی و انسانی است.

مفهوم توسعه فرهنگی در دهه ۶۰ میلادی توسط سازمان یونسکو در جهان رواج یافت. از نظر این سازمان توسعه فرهنگی عبارت است از: «توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه باهدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد»<sup>۲</sup>.

همچنین توسعه فرهنگی به معنای رشد، پرورش و افزایش آگاهی، دانش و معرفت انسان‌ها و آمادگی آنها برای تحول، پیشرفت، قانون‌پذیری، نظم و انضباط و بهبود روابط اجتماعی،

۱. مقام معظم رهبری، دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.

۲. یونسکو، ۱۹۸۷.



انسانی و افزایش توانایی‌های علمی، اخلاقی و معنوی تعریف شده است.<sup>۱</sup> توسعه فرهنگی یعنی «افزایش ظرفیت خلاقیت و نوآوری در ارزش‌ها و رفتارهایی که آدمیان در زندگی روزمره آنها را به کار می‌گیرند و با آن زندگی می‌کنند».<sup>۲</sup> این بعد از توسعه را می‌توان در هشت حوزه خلاصه کرد:

۱. دسترسی به فرهنگ،
  ۲. آموزش و پرورش فرهنگی و هنری،
  ۳. ارتقای خلاقیت و نوآوری،
  ۴. تشویق فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی،
  ۵. تقویت هویت فرهنگی،
  ۶. ارتقای مبادلات فرهنگی،
  ۷. حفظ میراث فرهنگی و توسعه نگرش‌های قطعی در باب فرهنگ.
- در این راستا، مراکز آموزشی کشور، به ویژه وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش عالی و مؤسسه‌های فرهنگی و هنری کشور می‌توانند با برنامه‌ریزی دقیق و درازمدت امر مهم گسترش و توسعه فرهنگ را در جامعه به انجام برسانند.

#### ۴-۱. فقر فرهنگی

از نظر لغوی معانی بسیاری برای فقر ذکر شده است؛ تنگدستی، تهیدستی، پریشانی و... از طرفی، فقر را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد که از آن جمله می‌توان به فقر جسمی، مادی، اشتغال، فکر، دین و... اشاره کرد اما از آنجا که مقوله فرهنگ در جامعه از اهمیت والایی برخوردار بوده و می‌توان آن را اساس بسیاری از تحولات اجتماعی به حساب آورد، پس می‌توان فقر فرهنگی را عامل بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه دانست.

مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی جهل و نادانی است. زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به همه هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به طور طبیعی قادر نخواهد بود تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد نماید. علی (ع) علم و آگاهی انسان را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند. بنابراین مبارزه با جهل و

---

۱. دری نجف‌آبادی، قربانعلی، «توسعه، فرهنگ و دیدگاه‌های امام خمینی (ره)»، مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.

2. Georges, Tome, "Cultural Development and Environment", Unesco, 1992.



نادانی در واقع مبارزه با فقر فرهنگی به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «هیچ فقری مانند جهل و نادانی نیست».<sup>۲</sup>

رهبر فرزانه انقلاب نیز در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی بر این مهم تأکید کرده‌اند که هر جامعه عقب‌افتاده‌ای، سه دشمن اساسی دارد و ما باید صحنه جامعه را از این سه دشمن بزرگ، یعنی فقر، ناامنی و بی‌سوادی پاک کنیم و برای رفع آن برنامه‌ریزی، کار و تلاش شود.<sup>۳</sup>

غناي فرهنگي سبب مصونيت فكري و فرهنگي مي‌شود و آسيب‌زدائي آفت‌هاي ديني را به دنبال خواهد داشت؛ ولي فقر فرهنگي و عدم آشنائي عميق با مسائل ديني، آسيب‌پذيري فرهنگي و ديني را به دنبال دارد.<sup>۴</sup>

#### ۵-۱. مظلوميت فرهنگ

انقلاب شکوهمند اسلامی در حقیقت انقلاب عظیم فرهنگی بود و فلسفه وجودی و هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی نیز ارتقای اخلاقیات، معنویات، ارزش‌ها و باورهای دینی و توسعه فرهنگی بوده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هدف از حکومت اسلامی «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی و ایجاد زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونه انسان»<sup>۵</sup> ذکر شده است.

متأسفانه، با توجه به هدف عالی نظام جمهوری اسلامی مبنی بر رشد معنویت و اخلاقیات در جامعه، کشور ما در این سال‌ها در حوزه فرهنگ پیشرفت چندانی نداشت و حوزه فرهنگ نسبت به دیگر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و غیره مظلوم واقع شده است. تا جایی که مقام معظم رهبری در دیدار مورخ ۱۳۸۶/۶/۴ خود با دولتمردان بر لزوم رفع مظلومیت از فرهنگ تأکید کردند:

«از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس‌جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد، یا در اولویت‌بندی‌ها این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان شود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسئله

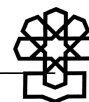
۱. عبدالواحدبن محمد آمدی، کیهان، «راهکارهای مقابله با فقر فرهنگی»، ۱۳۸۷/۷/۲۵، ص ۶.

۲. غررالحکم، ج ۶، ص ۳۵۲.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.

۴. فرمهبینی فراهانی، محسن، همان، ص ۵۳.

۵. مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات، ۱۳۸۴، ص ۱۵-۱۶.



فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه با فرهنگ‌سازی حل می‌شود. توجه کنید که امروز عمده قوای دشمنان ما در جبهه فرهنگی دارد کار می‌کند. این جنگ‌های روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن‌ها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسئله فرهنگ است.

فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود، بقیه کارها همه برخاسته از آن چیزی است که شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق شود، نتیجه‌ای که در اندام‌ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید، خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان‌های فرهنگی و عامل‌های فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیرارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید»<sup>۱</sup>

در بیانات رهبری چند نکته برجسته وجود دارد که توجه به آنها راهگشای رفع مظلومیت از فرهنگ است:

۱. از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید.
۲. بخش فرهنگ انصافاً مظلوم است.
۳. در گزارش رئیس جمهوری نامی از فرهنگ به میان نیامده است.
۴. اولویت فرهنگی فدای دیگر اولویت‌ها شده است.
۵. مسئله فرهنگ دست کم گرفته نشود.
۶. بسیاری از مشکلات جامعه با فرهنگ‌سازی حل می‌شود.
۷. امروز عمده قوای دشمنان در جبهه فرهنگی کار می‌کند.
۸. همه جنگ‌های روانی، فعالیت‌های فرهنگی و بودجه‌های پنهان و آشکار که برای انحراف

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.



ذهن قرار می‌دهند به مسئله فرهنگ مربوط است.

۹. فرهنگ مانند هواست که همین انسان استنشاق کرد، می‌تواند قدمی بردارد و جلو برود و چنانچه هوای مسموم تزریق شود، نتیجه‌ای که در بدن دیده خواهد شد، تابع مسمومیتی است که در این هوا وجود دارد.

۱۰. در فرهنگ وقت صرف کنید و در بخش بودجه هم برای آن پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ داده شود.

۱۱. مسئولین فرهنگی دولت باید به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی جهت ارزشی بدهند و یک دقیقه در آن فروگذار نکنند.

۱۲. همه باید تلاش کنند که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهند.

همچنین، سخنان رهبری نشان‌دهنده این واقعه تلخ است که درباره توسعه فرهنگی و ارتقای سطح فرهنگ، در جامعه تلاش چندانی صورت نگرفته است و در این حوزه، جامعه با چالش‌های اساسی روبه‌رو است.

چالش‌های اساسی پیش روی مدیریت فرهنگی در ایران همگام با مشکلات در عرصه فرهنگی اعم از هویتی، اخلاقی، از هم‌گسیختگی‌های اجتماعی و همچنین تداخل و موازی‌کاری در خصوص مسائل فرهنگی، بحران‌های مدیریت فرهنگی، عدم انسجام در مورد امور فرهنگی و... را می‌توان از عوامل مظلومیت فرهنگ برشمرد.<sup>۱</sup>

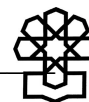
## فصل دوم - برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی

منظور از سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی (همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی) است. برنامه‌ریزی فرهنگی نیز به معنای برآورد علمی نیازهای فرهنگی جامعه و امکانات موجود جامعه و تعیین اقدامات مورد نیاز برای رفع نیازهای فرهنگی در دوره‌ای مشخص است.<sup>۲</sup>

شاید برنامه‌ریزی نتواند دست‌نیافتنی‌ها را دست‌یافتنی کند، اما قطعاً نبود آن می‌تواند دست‌یافتنی‌ها را دست‌نیافتنی کند. دست‌یافتن به آرمان‌های فرهنگی که انقلاب اسلامی پیش

۱. برگرفته از: شمسینی غیاثوند، حسن، «مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۴.

۲. گرفته شده از: اجاللی، پرویز، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران، آن، ۱۳۷۹، ص ۱.



روی دولت جمهوری اسلامی نهاده است، ضرورت توجه بیشتر به برنامه‌ریزی فرهنگی را ایجاب می‌کند.<sup>۱</sup>

سیاست‌گذاری فرهنگی برنامه‌ای درازمدت است که در قالب مدیریت راهبردی میسر می‌شود و باید در نظر داشته باشیم که سیاست‌گذاری‌ها بر اساس علاقه‌مندی‌های مردم باشد تا اجرایی شوند.<sup>۲</sup> از طرفی بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، سیاست‌گذاری، خود یک امر متطور و در حال تحول دائمی است و این گونه نیست که سیاستی که امروز گذاشته شد، تا ابد کفایت کند.<sup>۳</sup> اما از آنجایی که، ابزارهای فرهنگی بیشتر در دست دولت است، این تمرکزگرایی سبب می‌شود که تا حد قابل توجهی از نیازها و علایق مردم دور شویم. بنابراین، شایسته است برای ارتباط درست و عمیق با مخاطب که برنامه‌ریزی فرهنگی برای او صورت می‌گیرد، از اندیشمندان، هنرمندان، محققان و نویسندگان در بخش‌های مختلف فرهنگی استفاده شود.<sup>۴</sup> گفتنی است که برنامه‌ریزی فرهنگی بدون توجه به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، مفید نخواهد بود. از طرف دیگر صبغه فرهنگی باید در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز بررسی شود.<sup>۵</sup>

برنامه‌ریزی مهم‌ترین وظیفه هر مدیر یا سازمانی است که با منابع محدود سعی در رسیدن به اهداف مشخص دارد، در ادبیات مربوط به برنامه‌ریزی اصطلاحاتی همچون برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی از جمله مفاهیم جا افتاده و رایج هستند. ولی برنامه‌ریزی فرهنگی اصطلاحی است که اگرچه در بعضی کشورهای پیشرفته سالیان زیادی است که مدنظر برنامه‌ریزان قرار گرفته است؛ ولی در کشور ما سابقه چندانی ندارد و مروری به جایگاه بخش فرهنگ در چند برنامه کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اجرا شده است، صحت این ادعا را کاملاً روشن می‌کند.<sup>۶</sup>

## ۱-۲. برنامه‌های فرهنگی قبل از انقلاب

در دوران قبل از انقلاب اسلامی، در برنامه‌های هفت‌ساله اول (۱۳۲۷-۱۳۳۴) و دوم (۱۳۳۴-۱۳۳۴)

۱. تصدیقی، فروغ و...، همان، ص ۲۶۶.

۲. فتحی، رؤیا، «سیاست‌گذاری و استراتژی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۳، ص ۲۶۳.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما، ۱۴/۱۲/۱۳۶۹.

۴. فتحی، رویا، همان، ص ۲۶۵.

۵. ابراهیمی، سیدابراهیم، «بایسته‌های مهندسی فرهنگی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی - مهندسی فرهنگی، ج ۱، ص ۲۴۰.

۶. منتظر قائم، افشین، «راکارهای مهندسی فرهنگی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی - مهندسی، ج ۴، ص ۱۶۸.



۱۳۴۱) عمرانی کشور، بخش فرهنگ که بخشی از امور اجتماعی بود به امور آموزشی گفته می‌شد و آموزش عمومی، فنی حرفه‌ای، آموزش بزرگسالان و آموزش عالی را دربر می‌گرفت. آنچه از این برنامه به بخش فرهنگ و رسانه‌های جمعی - به معنای امروزی آن - مربوط می‌شد، تنها کمک‌های مختصری بود که از بودجه عمومی به سازمان سمعی و بصری برای تهیه وسایل، به بنگاه ترجمه و نشر کتاب به منظور چاپ کتب مفید و به سازمان لغت‌نامه دهخدا برای چاپ لغت‌نامه مذکور، داده می‌شد، به علاوه اعتباراتی برای تعمیرات بناهای تاریخی و کمک به ساختمان کاخ هنر.<sup>۱</sup>

در برنامه پنج‌ساله سوم عمرانی کشور (۱۳۴۱-۱۳۴۶)، بخش فرهنگ دربرگیرنده آموزش عمومی، آموزش فنی حرفه‌ای، سپاه دانش، آموزش بزرگسالان، آموزش عالی، تربیت بدنی و پیشاهنگی، رفاه دانشجویان و کتاب و کتابخانه بود. اما در دوره‌ای که این برنامه اجرا می‌شد، یعنی در سال ۱۳۴۳ با توجه به اهمیت فرهنگ و هنر به تأسیس وزارت فرهنگ و هنر اقدام شد تا با تمرکز کلیه فعالیت‌های هنری و فرهنگی در تحقق بخشیدن هدف‌های هنری و فرهنگی اقدام شود. در برنامه سوم عمرانی کل بخش فرهنگ جمعاً ۱۷۳۱۷ میلیون ریال (۸ درصد کل بودجه) اعتبار جذب کرد که از این مقدار ۷۰۰ میلیون ریال آن به فرهنگ و هنر اختصاص یافته بود.<sup>۲</sup>

از برنامه چهارم عمرانی (۱۳۴۷-۱۳۵۱) فصل مستقلی به نام فرهنگ و هنر در برنامه گنجانده شد. در این برنامه، فرهنگ از نظر تأثیر آن در تحکیم مبانی وحدت ملی، مورد توجه قرار گرفت. هدف شناخت میراث فرهنگی و تمدن ایران بود که در راه غنی ساختن هرچه بیشتر آن میراث عظیم ملی، اهتمام لازم به عمل آید.<sup>۳</sup>

در برنامه پنجم عمرانی کشور (۱۳۵۲-۱۳۵۶) اعلام شد که توجه ویژه‌ای به بخش فرهنگ خواهد شد. در این برنامه آمده بود:

«هدف این بخش تعیین و تضمین خصلت ایرانی، توسعه ملی و حراست از ارزش‌ها و خصایل پسندیده‌ای است که از تاریخ کهن و درخشان خود به میراث گرفته‌ایم».<sup>۴</sup>

علاوه بر اینها، اهداف دیگری مانند افزایش تعداد کتابخانه‌ها، توسعه فرهنگ در شهرهای کوچک و... نیز در ادامه برنامه ذکر شده است.

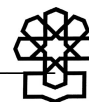
۱. اجلالی، پرویز، همان، ص ۷۵-۷۶.

۲. اجلالی، پرویز، همان، ص ۷۶.

۳. بهادری، افسانه، درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، طرح پژوهشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ، ۱۳۷۶، ص

۳۳

۴. برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۲-۱۳۵۳، دی‌ماه ۱۳۵۱.



همچنین، در این برنامه، سازمان برنامه‌ریزی گسترش بیشتری پیدا کرد و سیزده کمیته برنامه‌ریزی تشکیل شد. شورای عالی فرهنگ نیز در این دوره تأسیس شد. شورا، در آغاز کار، دبیرخانه علمی تأسیس کرد که نخستین اقدام آن تدوین سیاست فرهنگی کشور، انجام مطالعاتی درباره وضع فرهنگی کشور و بررسی کمبودها و نیازهای فرهنگی جوامع شهری و روستایی بود. در دی‌ماه ۱۳۵۱، همین دبیرخانه به تشکیلات گسترده‌تری به نام مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی تبدیل شد که بررسی در مسائل کلی مربوط به اصول سیاست فرهنگی کشور و بررسی چگونگی ایجاد هماهنگی در طرح‌ها، برنامه‌ها، اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی کشور را به‌عنوان اهداف اصلی خود برگزیده بود.<sup>۱</sup>

طبق برنامه‌ریزی‌های به‌عمل آمده، قرار بود که در برنامه ششم عمرانی، درباره عدم تمرکز و رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و توسعه فرهنگی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای صورت گیرد. اما شرایط اقتصادی - سیاسی موجود و به‌دنبال آن انقلاب اسلامی موجب شد که اجرای برنامه ششم متوقف شود.<sup>۲</sup>

#### الف) سیاست فرهنگی کشور پیش از انقلاب

در سال ۱۳۴۷ شورای عالی فرهنگ و هنر مبادرت به تهیه متنی درباره سیاست فرهنگی کشور کرد که پس از گفت‌وگوی صاحب‌نظران، سال بعد، به تصویب محمدرضا پهلوی رسید و ملاک تصمیم‌گیری در تمام عرصه‌های فرهنگی شد. متن سیاست فرهنگی ایران دارای یک مقدمه و هفت فصل بود. در بخشی از مقدمه متن سیاست فرهنگی به اهمیت تدوین آن اشاره شده بود. ضرورت‌های نوینی که در متن سیاست فرهنگی مورد توجه قرار گرفت، بدین قرار بود:<sup>۳</sup>

«با تحولات عظیم اجتماعی و اقتصادی سال‌های اخیر، اکنون جامعه ما به فرهنگی نیازمند است که بر مبانی فرهنگ ملی استوار باشد و ایرانیانی را که از این پس در یک جامعه صنعتی زندگی خواهند کرد، به‌کار آید.»

در ادامه متن سیاست فرهنگی بر این مهم پافشاری شده است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه ایرانی، اجرای برنامه‌ای جامع و دقیق در پیروی از یک سیاست کلی ضرورت پیدا می‌کند.

در متن مورد اشاره، سیاست کلی فرهنگی عبارت بود از:

۱. اجلالی، پرویز، همان، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. اکبری، محمدعلی، «تجرباتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران ۱۳۲۵-۱۳۵۷»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، ش ۳۳، ۱۳۸۱.



«مجموعه اصول و تدابیری که مسئولیت‌های دولت را در امور فرهنگی و نیز چگونگی فعالیت‌های دولت و سازمان‌های غیردولتی را در امور فرهنگی و در جهت نیل به هدف‌های خاص تعیین می‌کند»<sup>۱</sup>.

بر اساس آن، اصول چهارگانه‌ای برای سیاست فرهنگی کشور تعیین شد که عبارت بودند از: فرهنگ برای همه، توجه به میراث فرهنگی، فراهم آوردن بیشترین امکانات برای ابداع و نوآوری فکری و هنری و شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان و آگاهی از مظاهر فرهنگ‌های دیگر.

به‌علاوه در متن سیاست فرهنگی در کنار اصول چهارگانه - یا اهداف کلی - گفته شده از هشت اصل دیگر به‌عنوان مبانی سیاست فرهنگی یاد شده بود. مبانی هشت وجهی سیاست فرهنگی کشور عبارت بودند از:

۱. برنامه‌های فرهنگی که براساس این سیاست تنظیم خواهد شد، باید با برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور هماهنگ باشد.

۲. همگامی سیاست آموزشی و علمی کشور با سیاست فرهنگی ضروری است.

۳. در برنامه‌های فرهنگی باید خصوصیات محیط‌های اجتماعی مانند خانواده، روستا، کارخانه و شهر در نظر گرفته شود.

۴. نیازهای فرهنگی جامعه باید به‌طور دقیق و با روش‌های علمی مورد مطالعه قرار گیرد و تقاضاهای فرهنگی مردم با توجه به نیازهای واقعی برآورده شود.

۵. در برنامه‌های فرهنگی باید به شیوه سلوک و اصول و آداب زندگی جمعی توجه خاص شود و از طریق اشاعه فرهنگ، راه و رسم زندگی آن‌چنان که متناسب با مقتضیات زمان ما باشد، آموخته شود.

۶. در برنامه‌های فرهنگی باید تأثیر عوامل در رشد شخصیت افراد جامعه به‌منظور به‌وجود آمدن شخصیت اساسی مطلوب مورد توجه خاص قرار گیرد.

۷. در اجرای سیاست فرهنگی باید به سرمایه‌گذاری خصوصی و مشارکت و همکاری انجمن‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی اهمیت خاصی داده شود.

۸. کوشش مستمر به‌منظور تحقق اصول سیاست فرهنگی در یک مرحله زمانی، نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی است. برای طرح چنین برنامه‌هایی باید نخست هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تعیین شود و سپس در طول زمان، امکانات مادی و انسانی به منطقی‌ترین وجه با

۱. همان.



احتیاجات فرهنگی تطبیق داده شود.<sup>۱</sup>

ب) کاستی‌های برنامه‌های فرهنگی پیش از انقلاب<sup>۲</sup>

• وجود مراکز موازی تصمیم‌گیری

ساخت حکومت و استیلای استبداد عملاً منجر به پیدایش مراکز متعددی مانند مجلس مؤسسان و ملی، هیئت وزیران، وزارتخانه‌های ذی‌ربط، شاه، دفتر فرح، درباریان و کمپانی‌های ذی‌نفوذ خارجی در امر تصمیم‌گیری شد، به طوری که در سراسر حکومت پهلوی دوم از دو نوع سازوکار تصمیم‌گیری (رسمی و غیررسمی) می‌توان یاد کرد. مجموعه ناهمگن و متناقضی که در عمل دشواری‌ها و بحران‌های بسیاری را برای برنامه‌ریزی به وجود آورده یا در عمل برنامه را به سمت و سوی دیگر می‌کشاند.

• توسعه فرهنگی غیرمشارکتی

در این سال‌ها برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به صورتی آمرانه و از بالا صورت گرفته و هیچ‌گونه مشارکتی را حتی در سطح نخبگان فرهنگی و طیف وسیع صاحب‌نظران و کارشناسان جلب نکرده است. همچنین بر حوزه تقاضاهای اجتماعی نیز ناظر نبوده است. یعنی مدل توسعه فرهنگی دولتی بوده است.

• انضمامی بودن برنامه‌های فرهنگی

برنامه‌های فرهنگی به خصوص در سه برنامه عمرانی سوم تا پنجم، از خصلتی تبعی نسبت به برنامه‌های کلان توسعه برخوردار بود. به عبارت دیگر الگوی توسعه اقتصادی، توقعاتی را از حوزه فرهنگ داشت که برنامه‌های انجام شده دقیقاً در راستای تأمین این توقعات طراحی شده بود. البته هر برنامه فرهنگی به طور قطع باید با الگوی کلی توسعه در تعارض نباشد، ولی این امر با وجه تبعی داشتن فرهنگ در الگوهای نوسازی تفاوت مهمی دارد. در دیدگاه تبعی بودن فرهنگ در الگوهای نوسازی، طرح نگرش به فرهنگ ابزاری خواهد بود حال آنکه فی‌الواقع فرهنگ را تا این حد نمی‌توان فروکاست و در صورت امکان نیز کار از مطلوبیتی برخوردار نیست و بحران‌هایی را به وجود خواهد آورد که آورد.

• ضعف ساختار نظارت و ارزیابی

۱. اکبری، محمدعلی، «بررسی برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)»، فرهنگ، سیاست و توسعه، تهران، دبیرخانه

شورای فرهنگ، عمومی، ص ۵۳-۵۵.

۲. همان.



یکی از نقایص بزرگ و اساسی نظام فرهنگی در این دوران، ضعف آشکار نظارت و ارزشیابی اقدامات فرهنگی دولت بود.

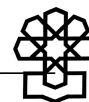
ضعف و ناتوانی این بخش، نه تنها بر روند جاری اجرای برنامه‌ها تأثیر منفی به جای گذاشت، بلکه امکان بازیابی نارسایی‌های برنامه و تصحیح خطاها را نیز به شدت کاهش می‌داد. به علاوه قرار داشتن دستگاه‌های نظارت و ارزشیابی در داخل مجموعه اجرایی، عملاً آن را تحت تأثیرات ملاحظات مدیران اجرایی قرار می‌داد و کارآمدی نتایج را تا حدود زیادی زیر سؤال می‌برد.

#### • تقدم نهادسازی بر نهادینه‌سازی عرصه تصدی دولت

از آنجا که دولت با گسترش حوزه فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود را متکفل و متعهد انجام، سرپرستی و کنترل حوزه‌های جدیدی می‌پنداشت، به ناچار به تناسب گسترش حوزه‌های فرهنگی و هنری، دستگاه دولت نیز افزایش بادکنکی پیدا می‌کرد. به این ترتیب روز به روز بر میزان پرسنل و ابعاد تشکیلاتی سازمان‌های فرهنگی دولت افزوده می‌شد. این امر وقتی با ملاحظات دیگری همراه می‌شد، عملاً دستگاه عریض و طویلی را به وجود می‌آورد که به جای یاری رساندن به فرهنگ و هنر، سدی بر سر راه توسعه طبیعی آن به وجود آورده و محل پیشرفت فرهنگ می‌شد. این پدیده در حالی رخ می‌داد که روند نهادینه‌سازی حوزه فعالیت‌های فرهنگی دولت و ضابطه‌پذیر کردن عرصه اقدامات دولت با کندی پیش می‌رفت. نتیجه این وضعیت ضعف شدید دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی در زمینه قوانین و مقررات ضروری بود. به طور مثال، در زمینه حقوق و تکالیف مؤلفان، هنروران، ناشران و... خلأهای بسیار قانونی به چشم می‌خورد و این امر خود منشأ بروز مشکلات جدی بود.

#### ۲-۲. برنامه‌های فرهنگی کشور پس از پیروزی انقلاب

در جهان امروز که نقش و نیروی اجتماعی فرهنگ نسبت به گذشته به مراتب بیشتر شده است، ضرورت هماهنگی و هم‌سویی صاحب‌نظران، کارشناسان و برنامه‌ریزان هر کشور با نیازهای فرهنگی جامعه نیز بیشتر احساس می‌شود. جامعه رشید جامعه‌ای است که بتواند نیازهای فرهنگی خویش را در رهگذر حیات و حرکت اجتماعی بازشناخته، از تظاهرات و تمایلات کاذب یا گذرا تفکیک کند و قدرت پاسخ‌گویی به این نیازها و بهره‌گیری از آنها را در جهت رشد و کمال معنوی و مادی دارا باشد. شرط لازم برای تحقق چنین مطلوبی آن است که در هر کشور زمامداران بتوانند به منظور همراهی با جریان عظیم، عمیق و اصیل فرهنگ در جامعه و حداکثر



بهره‌گیری از دریای لایزال اراده و ایمان معنوی و الهی مردم به‌طور هماهنگ و همسو سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده و مهم‌ترین محورهای لازم برای این حرکت را تشخیص داده و تعیین کنند.<sup>۱</sup>

در جمهوری اسلامی نیز که براساس قانون اساسی<sup>۲</sup> کشورمان، نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به این اهداف همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان و ...

بنابراین در این بخش به بررسی جایگاه فرهنگ به ترتیب در برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌پردازیم که از یک روند تکاملی سود جسته‌اند.

### الف) فرهنگ در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

پس از انقلاب، برنامه‌ریزی در قالب تهیه لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲-۱۳۶۶) صورت گرفت که در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب هیئت دولت رسید، اما به علت شرایط جنگ تحمیلی به اجرا در نیامد. در این لایحه به فرهنگ به‌عنوان «یک عامل اساسی و زیربنایی در ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و ضرورت پیراستن جامعه ایرانی از مظاهر و پیرایه‌های ضداسلامی و معرفی فرهنگ غنی اسلام ملهم از سرچشمه زلال ولایت به همه جهانیان» (سازمان برنامه و بودجه، پیوست ۴ لایحه برنامه، ج ۴، بخش‌های اجتماعی، ص

۱. مقدمه اصول سیاست فرهنگی، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۰.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲ و ۳.



۱-۲۳) اشاره شده بود.<sup>۱</sup>

پس از جنگ تحمیلی، برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به اجرا درآمد. در این برنامه، بخش فرهنگ با تأکید بر اهمیت و جامعیت مفهوم فرهنگ و تأثیرپذیری فرهنگ ایرانی از اسلام، ویژگی‌های زیست‌بوم کشور و تحول تاریخی آن آغاز می‌شود. آنگاه بر افزایش چالش میان فرهنگ خودی و بیگانه در آینده تأکید کرده و زمینه‌سازی برای توسعه را که هدفی است دوردست، وظیفه بخش فرهنگ می‌داند. در ادامه، در تحلیل وضعیت بخش فرهنگ با تأکید بر دو دسته عوامل درونی و بیرونی نسبت به این بخش به تبیین مشکلات موجود می‌پردازد. مشکلاتی که عمده‌ترین آنها عبارتند از: همگانی نشدن کامل فرهنگ، فقدان نظام آماری و امکان سنجش کمی در بخش فرهنگ، ضعف آموزش و تربیت نیروی انسانی، کم‌توجهی به پژوهش‌های کاربردی، ضعف مدیریت و بی‌ثباتی آن، فقدان مرکزیتی که از زبان فارسی حراست کند (فرهنگستان) و فقدان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درازمدت در بخش فرهنگ.

برنامه با مفروض گرفتن ویژگی‌های خاصی در بخش فرهنگ مانند رسالت جهانی انقلاب، رشد بالای جمعیت و پیامدهایی مانند جوانی جمعیت و افزایش بیکاری و اوقات فراغت، بالا رفتن توقعات و تقاضاهای فرهنگی در جامعه و آثار ناشی از ارتباط فرهنگی با جهان غرب، اهداف کیفی خاصی را پیشنهاد می‌کند. محور اصلی اهداف پیشنهاد شده افزایش شناخت نسبت به اسلام و تحقق بخشیدن به ارزش‌های آن است. البته در کنار آن بر یکسری ارزش‌ها و فضیلت‌های عمومی نیز تأکید می‌شود. به‌ویژه تأکید بر حقوقی که در قانون اساسی برای اندیشمندان و هنرمندان به رسمیت شناخته شده است. از نکات مهم بخش فرهنگ در این برنامه این است که نویسندگان آن تفکر دولتی کردن فرهنگ را به‌عنوان خط‌مشی قابل پرهیز یاد کرده‌اند و نقش دولت را بیشتر در نظارت و هدایت خلاصه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

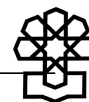
با وجود این، در عملکرد برنامه اول آمده است که این بخش دارای ضعف در سیاست‌گذاری و فقدان برنامه‌ریزی روشن در مورد مسائل فرهنگ عمومی بوده است. در واقع هیچ استراتژی معینی برای توسعه بخش فرهنگ وجود نداشت و به دشواری می‌توان ادعا کرد که برنامه اول در مورد مسائل فرهنگی، برنامه توسعه داشته است.<sup>۳</sup>

آنچه در تبصره «۲۵» قانون برنامه اول مبنی بر تأسیس نظام متحد و هماهنگ امور فرهنگی و تبلیغی کشور و ادغام سازمان‌ها و مراکز موازی تکلیف شده بود، نیز عملی نشد و

۱. اجلالی، پرویز، همان، ص ۷۹.

۲. همان.

۳. اجلالی، پرویز، همان، ص ۸۲.



برنامه نتوانست در خصوص فرهنگ تغییرات چندانی ایجاد کند.

### ب) فرهنگ در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۱۳۷۷)، بخش مشخصی به عنوان فرهنگ ندارد. اما از میان اهداف کیفی آن، بند «۲» و «۳» را می‌توان هدف فرهنگی نامید، هرچند بند «۱۳» نیز جنبه فرهنگی دارد. به طور خلاصه می‌توان اهداف فرهنگی این برنامه را به صورت زیر آورد:

۱. رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ جامعه،
۲. هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر، فن و تربیت بدنی و مناسبات انسانی، خانوادگی و اجتماعی و مشارکت در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی،

### ۳. ترویج فرهنگ احترام به قانون، نظم اجتماعی و وجدان کار.<sup>۱</sup>

برای تحقق بخشیدن به هدف‌های بالا، برنامه خط‌مشی‌های اساسی را پیشنهاد می‌کند. خط‌مشی‌های اساسی پیشنهادی گاه در جهت آموزش و گسترش فرهنگ هستند و گاه در جهت پرورش ویژگی‌های خاصی در مخاطبان و در برخی از موارد به سازمان‌دهی و ایجاد هماهنگی در فعالیت مربوطه اشاره کرده است. تخصیص بهتر منابع مالی و امکانات و تقویت نگرش مسئولان از طریق انجام پژوهش‌های کاربردی نیز جزء خط‌مشی‌های اساسی تلقی شده است.

در برنامه دوم توسعه، اهداف کیفی شامل رشد فضایل براساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه، تلاش برای حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت، تقویت و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرضه منابع مالی و امکانات دولتی، هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم و هنر بودند.

اما متأسفانه بخش فرهنگ به تدریج از مسیر اصلی و فرایندی که مورد انتظار بود، خارج

شد.

### ج) فرهنگ در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) تغییرات بیشتری در مدیریت بخش فرهنگ پیش‌بینی شده است. در این برنامه به دولت اجازه داده شده که امکانات، تأسیسات، فضاهای فرهنگی،

۱. بهادری، افسانه، همان، ص ۳۸-۳۹.



هنری و ورزشی و طرح‌های نیمه‌تمام خود را به بخش غیردولتی واگذار کند. همچنین در برنامه سوم به جوانان و زنان توجه ویژه‌ای شده است. مرکز ملی جوانان و مرکز امور مشارکت زنان وظیفه نظارت و طراحی امور مربوط به این دو گروه را برعهده دارند. این دو مرکز موظفند در مورد کار خود گزارش عملکرد سالیانه دستگاه‌های اجرایی را به هیئت وزیران بدهند. در این برنامه، یکی از نقاط ضعف قدیمی بخش فرهنگ که بحث شاخص‌های فرهنگی است نیز مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در ماده (۱۶۰) می‌خوانیم:

«به منظور شناخت دقیق‌تر ویژگی‌های فرهنگ عمومی و پیگیری سازمان‌یافته اجرای برنامه‌های فرهنگی و اعمال اصلاحات لازم در انجام فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی که فعالیت‌های اصلی آنها به نحوی بر فرهنگ عمومی تأثیر می‌گذارد، وزارت ارشاد اسلامی موظف است با انجام مطالعات لازم و با مشخص کردن تعاریف و مفاهیم، نوع شاخص‌های فرهنگی متناسب با اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را تعیین و پس از تأیید شورای انقلاب فرهنگی با استفاده از طرح‌های مناسب آماری که با هماهنگی و همکاری مرکز آمار ایران تهیه می‌شود، نسبت به اندازه‌گیری شاخص‌های مزبور ... اقدام کند».<sup>۲</sup>

#### د) فرهنگ در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) در حوزه فرهنگ از جامعیت بیشتری نسبت به برنامه‌های قبل برخوردار است. این برنامه با جریانی پرشتاب‌تر و در راستای برنامه چشم‌انداز توسعه کشور تهیه شده است.

گسترش سند توسعه فرهنگی نیز یکی از اقدام‌های اساسی انجام شده در برنامه چهارم توسعه به‌شمار می‌رود.

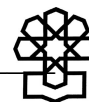
اما هنوز هم در قوانین تمام بخش‌های فرهنگی از صدا و سیما و مطبوعات - که دارای بحث‌های چالش‌برانگیز هستند - تا تئاتر و موسیقی کاستی‌های بسیاری به چشم می‌خورد.

#### ه) مظلومیت فرهنگ در برنامه‌های توسعه

مظلومیت فرهنگ در برنامه‌های توسعه ناشی از عوامل متعددی است که بعضی از آنها عبارت است از:

۱. اجلالی، پرویز، همان، ص ۸۲-۸۴.

۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران، ۱۳۷۹.



۱. عدم وجود کارشناسان نخبه فرهنگی و نیز ابزارها، آمار و ارقام فرهنگی به‌هنگام تنظیم سند، درحالی که در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، حضور کارشناسان تحصیل‌کرده بسیار و وجود طرح‌ها و پژوهش‌های علمی و آمارهای موجود، در هنگام تنظیم سند موجب تخصیص منابع به این حوزه‌ها می‌شود.

درحالی که امام بزرگوارمان (ره) همواره به اهمیت فرهنگ در جامعه اشاره کرده‌اند: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ، پوک و میان‌تهی است»<sup>۱</sup>.

۲. ضعف سازمان‌های فرهنگی در زمینه ارائه گزارش‌های فرهنگی مناسب.

۳. تعریف نامشخص و محدود از فرهنگ در ذهن مسئولان و مدیران اجرایی جامعه و نوع نگاه آنها به مقوله فرهنگ.

۴. تمرکز صرف بر ابعاد فنی و اقتصادی در برنامه‌های قبلی توسعه و کم‌توجهی به جوانب انسانی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی برنامه‌ها،

۵. عدم پیش‌بینی موانع احتمالی بر سر راه اجرای برنامه‌های توسعه و عدم تدارک لازم برای رفع آنها،

۶. عدم بهره‌برداری شایسته از نقاط قوت، ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی و عناصر تمدن‌ساز فرهنگ و ادب فارسی در راستای اهداف و راهبردهای توسعه‌ای کشور،

۷. کم‌توجهی به تنوع‌ها و تفاوت‌های قومی، فرهنگی و زبانی و اقتضائات آنها در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور،

۸. نامشخص بودن جایگاه فرهنگ در فرایند توسعه و ناهماهنگی برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی کشور با اهداف و ارزش‌های فرهنگی جامعه،

۹. عدم شناخت و توجه کافی نسبت به فرهنگ عمومی و ویژگی‌های آن از سوی برنامه‌ریزان توسعه در فرایند برنامه‌ریزی،<sup>۲</sup>

۱۰. فقدان تعامل پویا بین نظام برنامه‌ریزی و نیازهای فرهنگی،

۱۱. وجود مراجع متعدد و ناهماهنگ در سیاست‌گذاری فرهنگی،

۱. بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰/۶/۳۱.

۲. ناظمی اردکانی، مهدی و کشاورز، سوسن، «مبانی نظری مدیریت تحول فرهنگی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ص ۱۹۳.



## ۱۲. عدم شفافیت هدف در برنامه‌ها و سیاست‌های کلان فرهنگی.<sup>۱</sup>

واقعیت این است که برنامه‌ریزی برای رسیدن به توسعه فرهنگی، مستلزم درک صحیح قشرهای مختلف جامعه از توسعه فرهنگی است و این امر جامه عمل نمی‌پوشد مگر آنکه پیش از آن موارد زیر انجام شود:

۱. ارزش و اهمیت ابعاد فرهنگی توسعه در برنامه‌های درازمدت اقتصادی و اجتماعی روشن شود.

۲. برنامه‌ریزان توسعه به هدف‌های جامع توسعه، به‌ویژه اهدافی که به رشد فرهنگی مربوط می‌شود، توجه کنند.

۳. تلاش همه‌جانبه‌ای برای درک ظرفیت‌های فرهنگی و تأکید بر نقش فلسفه، علم، هنر، ادب و اندیشه در توسعه و ایجاد فضایی مطلوب برای توسعه اجتماعی و اقتصادی صورت گیرد.

۴. به نقش مشارکت همگانی اعم از مشارکت احساسی، روحی، فکری و عملی توجه شود و زمینه‌های فرهنگی مساعد برای رشد شخصیت، خلاقیت، نوآوری و جمع‌گرایی فراهم شود.<sup>۲</sup>

### (و) راهکارهایی جهت تدوین برنامه پنجم

به نظر می‌رسد برای رفع مظلومیت از فرهنگ در برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت، توجه به موارد زیر می‌تواند مثمرتر باشد:

#### • تشکیل ستاد ویژه

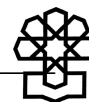
برای رفع نقاط ضعف موجود و کاهش اختلاف‌نظرهای کارشناسی در برنامه‌ریزی فرهنگی و تعیین برنامه‌های صحیح در حوزه‌های فرهنگی، لازم است شورای عالی انقلاب فرهنگی که سیاست‌گذار و تعیین‌کننده خط‌مشی‌های فرهنگی کشور است، ستاد ویژه‌ای مرکب از صاحب‌نظران و کارشناسان برجسته حوزه و دانشگاه و مدیران اجرایی تشکیل داده و مدلی مناسب برای برنامه‌ریزی فرهنگی دولت ارائه نماید.

#### • فضاسازی ملی

چون بخش مهمی از موفقیت فعالیت‌های فرهنگی در مرحله اجرا، برداشت صحیح از مفاهیم و شناخت وظایف و کشف راه‌حل‌های عملی است، به موازات تشکیل این هسته مرکزی، رئیس‌جمهور محترم، همه وزرا و مسئولین سازمان‌های ملی را موظف کنند که در سه عرصه:

۱. صالحی، امیر، سیدرضا و کاوسی، اسماعیل، همان، ص ۸۴-۸۵

۲. توحید فام، محمد، موانع توسعه فرهنگی در ایران، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳.



الف) اصلاح فرهنگ سازمانی،

ب) شناخت تأثیرات فعالیت‌های سازمان بر فرهنگ عمومی،

ج) شناخت تأثیرات فرهنگ عمومی در موفقیت و شکست اهداف سازمانی.

گروه کاری تشکیل داده و راهکارهای خود را برای دبیرخانه هسته مرکزی ارسال کنند.<sup>۱</sup>

#### • فعال‌سازی شورای عالی انقلاب فرهنگی

با توجه به انتظاری که مقام معظم رهبری از شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند، مجموعه نتایج اقدامات گام اول و دوم به صورت منسجم برای شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال و نسبت به تکمیل و تقویت آن اقدام شود.<sup>۲</sup>

#### • جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته

چون سقف زمانی تصویب برنامه محدود است، برای جبران عقب‌ماندگی بخش فرهنگ، در برنامه پنجم برنامه زمانبندی شده‌ای برای طی مراحل تدوین آن تهیه شود و مجموعه صاحب‌نظران و کارشناسان این حرکت مبارک، در حد امکان از فعالیت‌های جاری و روزمره‌شان فارغ و توان و تجربه خود را برای پاسخ‌گویی به انتظار ولی امر مسلمین و تقویت برنامه توسعه پنجم اختصاص دهند.<sup>۳</sup>

### فصل سوم - دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی

بررسی وضعیت دستگاه‌های دولتی کشور نشان می‌دهد که در حال حاضر مبادی گوناگون به انحاء مختلف یا بر فرهنگ کشور تأثیرگذار هستند یا خود را بر آن تأثیرگذار می‌دانند، به حدی که بیشتر اوقات سازمان‌هایی، حتی با اهداف و گرایش‌های متفاوت، متناقض و... در کنار یکدیگر متولی، متصدی و مدعی فرهنگ‌سازی در جامعه هستند. با توجه به ساخت اداری - سیاسی کشور، ظهور چنین پدیده‌ای که ناشی از عدم تعریف دقیق از شرح وظایف سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و نیز به دلیل گستردگی دامنه و حیطة مقوله فرهنگ است، موجب خلط وظایف، موازی‌کاری و صرف هزینه‌های بسیار و مهم‌تر از همه، تضعیف و تخریب فرهنگ

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.



والای اسلامی کشور خواهد شد.<sup>۱</sup>

براساس اصل ۵۰ از اصول سیاست فرهنگی کشور، وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت امور خارجه و سازمان‌های صدا و سیما و تربیت بدنی، به‌طور اخص مجریان سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی هستند. در تبصره‌های این اصل آمده است:

تبصره «الف» - دستگاه‌های مزبور موظف هستند هر ۶ ماه یک بار گزارش عملکرد خود را در اجرای سیاست‌های فرهنگی به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تسلیم کنند.

تبصره «ب» - سازمان برنامه و بودجه و سایر دستگاه‌هایی که اجرای سیاست به‌نحوی به آنها ارتباط پیدا می‌کند یا منوط به پشتیبانی آنهاست، موظف به همکاری و ایجاد تسهیلات لازم برای تحقق سیاست فرهنگی نظام هستند.

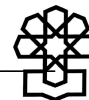
تبصره «ج» - مراکز و دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی که به‌نحوی از بودجه دولتی و امکانات عمومی استفاده می‌کنند، موظف هستند فعالیت‌های فرهنگی خود را در چارچوب سیاست فرهنگی کشور انجام دهند.<sup>۲</sup>

اما علاوه بر این هفت وزارتخانه و سازمان، نهادهای بسیار دیگری در زمینه فرهنگی مشغول فعالیت هستند که تعدادی از این نهادها از بودجه عمومی دولت و امکانات دولتی بهره می‌برند. برخی از آنها عبارت‌اند از: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز جهانی علوم اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بنیاد اندیشه اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان حج و زیارت، سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، کانون‌های فرهنگی بسیج، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد مرکزی اقامه نماز، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، بنیاد حکمت صدرا، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، مصلاي بزرگ تهران و ...

متأسفانه تعدد نهادهای فرهنگی در کشور و عدم مدیریت کارآمد و راهبردی آنها، موجب صرف هزینه‌های بسیار برای انجام امور یکسان و در نتیجه تضعیف بخش فرهنگ شده است. برای مثال، ستاد اقامه نماز، سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد و مؤسسه عمران مساجد در عرض یکدیگر به فعالیت‌های عمرانی مساجد کشور می‌پردازند.

۱. رکوعی، ایمان، «تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر فرهنگ کشور»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۷۱/۵/۲۰.



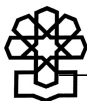
در ضمن مساجد مورد نیاز در دانشگاه‌ها نیز به وسیله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت و درمان، احداث می‌شود و در حوزه فعالیت‌های جاری مساجد، مانند فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تبلیغی با نهادهای متعددی روبه‌رو هستیم، ستاد اقامه نماز، اداره امور مساجد سازمان، تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ستاد عالی نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و کانون‌های فرهنگی بسیج مساجد، در این حوزه از فعالیت جزء اصلی‌ترین نهادها هستند و در مجموع هیچ‌گونه مرزبندی مشخصی در فعالیت هر یک از نهادها و مأموریت‌های محوله تعریف نشده است و همگی از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup> در برنامه‌های اول و دوم توسعه نیز به مسئله نهادهای فرهنگی پرداخته نشده و تنها در برنامه‌های سوم و چهارم اندکی به مسائل نهادهای فرهنگی توجه شده است که نیاز به تأمل بیشتر دارد.

اکنون که سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران تهیه و ابلاغ شده است، باید سازمان‌ها و نهادهای بخش فرهنگ کشور که نقش اساسی در تحقق آن دارند، برای خود سند چشم‌انداز تهیه کنند و همه دستگاه‌های فرهنگی همچون وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و دیگر بخش‌ها و موضوعات اصلی فرهنگ کشور مانند فیلم، هنر، مطبوعات، رسانه‌ها، جهانگردی و میراث تاریخی، چشم‌انداز خود و به‌ویژه سهم خود در سند ملی چشم‌انداز را تعریف و تبیین کنند.<sup>۲</sup> چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور که مجموع چشم‌اندازهای دستگاه‌های فرهنگی و موضوعات مختلف فرهنگ است، پرتوافکن مسیر حرکت همه آنها و همسوکننده آنها در جهت تحقق ابعاد فرهنگی سند چشم‌انداز ملی کشور است و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به‌عنوان ستاد اصلی و قرارگاه سازمان‌دهی فرهنگ کشور در راهبری و هدایت دستگاه‌ها و تعریف نقش مؤثر و کارآمد هر یک و همچنین نظارت و کنترل آنها کمک خواهد کرد.<sup>۳</sup>

بنابراین، برای کاهش مظلومیت فرهنگ، لازم است بین تمام سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی نوعی ارتباط ارگانیک به‌وجود آید تا از تداخل وظایف و موازی‌کاری و صرف هزینه‌های زاید جلوگیری شده و در جهت رشد و ارتقای سطح فرهنگ جامعه بهره‌گیری بهینه از منابع مالی صورت گیرد.

---

۱. حسینی، سیداحمد، «بررسی شیوه‌های اساسی برای سامان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی غیردولتی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۴، ص ۱۳۵.  
۲. علی‌اکبری، حسن، «مدیریت راهبردی یا ترسیم چشم‌انداز دستگاه‌ها و موضوعات فرهنگی، درآمدی بر مهندسی فرهنگی کشور»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۴، ص ۹.  
۳. همان.



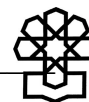
برخی راهکارها در جهت سازمان‌دهی نهادهای فرهنگی عبارت‌اند از:

۱. حفظ استقلال نهادهای فرهنگی و دینی و سازمان‌دهی آنها براساس استقلال،
  ۲. واگذاری تصدی‌های غیرضروری به بخش‌های خصوصی و مردمی،
  ۳. ایجاد تمرکز در اقدامات ستادی، برنامه‌ریزی کلان، نظارت و تنظیم اقدامات حمایتی و هدایتی در سطوح ملی و استانی،
  ۴. اجتناب از موازی‌کاری، پراکنده‌کاری و تعدد سازمان‌های ستادی و صف،
  ۵. تعریف جایگاه مشخص و قانونمند برای سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی،
  ۶. بهره‌گیری تمام سازمان‌های فرهنگی از طبقه‌بندی شفاف مأموریتی،
  ۷. تفکیک مشخص مأموریت دولت، نهاد رهبری و مردم در سطوح ستادی و صف،
  ۸. واگذاری امور صف سازمان‌های فرهنگی قوه مجریه به سازمان‌های غیردولتی،
  ۹. واحد بودن متولی امور ستادی و صف فعالیت‌های دینی و فرهنگی کشور،
  ۱۰. متناسب بودن اختیارات و اندازه سازمان‌های فرهنگی با مسئولیت‌ها،
  ۱۱. رعایت اصل عدم تمرکز در امور اجرایی و سیاست‌گذاری‌ها،
  ۱۲. افزایش مشارکت بخش غیردولتی در اداره امور فرهنگی.<sup>۱</sup>
- در این قسمت به بررسی اجمالی جایگاه، نقش و ضعف‌های برخی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های فعال در حوزه فرهنگ می‌پردازیم:

### ۱-۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی که در رأس آن رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس این شورا قرار دارد، دارای یک شورای عالی مرکب از ۲۲ نفر از شخصیت‌های حقیقی به انتخاب مقام معظم رهبری و ۱۶ نفر شخصیت حقوقی است که از بدو فعالیت خود از سال ۱۳۵۹ به نام ستاد انقلاب فرهنگی و سپس باعنوان فعلی یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۳)، همواره هدف‌های خاصی را در راه توسعه فرهنگ کشور دنبال کرده است. گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه، تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی، تحول دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی و هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی، حفظ و احیا و معرفی آثار اسلامی، ملی و ایجاد و

۱. حسینی، سیداحمد، همان، ص ۱۴۹-۱۵۰.



تحکیم روابط فرهنگی با کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای اسلامی از جمله این هدف‌ها هستند.<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب معتقد است:

«مسئله فرهنگ را باید مسئله اول این کشور به‌حساب آورد و بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه‌های فرهنگی، پیشرفت این کشور در تمامی زمینه‌ها تضمین خواهد شد. اما اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه‌های آن مستحکم نشود، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی در همه کارها ابتر خواهد بود و به نتایج قطعی آن نمی‌توان امیدوار بود».<sup>۲</sup>

لذا شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف است این مهم را با بهره‌گیری از نیروهای ارزشمند فرهنگی، نخبگان و صاحب‌نظران عرصه فرهنگ، نگرش عمیق و وسیع به مسائل این حوزه و اولویت‌بندی و مرزبندی مسائل فرهنگی و درنهایت برنامه‌ریزی بلندمدت و مناسب فرهنگی، عملی کند.

رهبر معظم انقلاب نیز نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی را در مدیریت فرهنگی جامعه مؤثر می‌داند:

«مدیریت فرهنگی به مفهوم وجود یک دستگاه متفکر، مدبر و مدیر است که قادر است فرهنگ یک کشور را قانونمند و ضابطه‌مند سازد. بنابراین مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی قرار دارد و مرکز این مدیریت شورای عالی انقلاب فرهنگی است».<sup>۳</sup>

در راستای نیل به هدف‌های بالا، وظایف بیست‌وهشت‌گانه‌ای برای شورا تدوین شده است که مهم‌ترین این وظایف در حال حاضر عبارت‌اند از: مهندسی فرهنگی، تدوین نقشه جامع علمی و تحول و نوسازی نظام آموزشی و علمی کشور یعنی دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، فرهنگ عمومی و آموزش و پرورش. اما آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای انجام وظایف خود موفق بوده است؟ برای آشنایی با عملکرد این شورا در بخش بعد به اختصار به بررسی وضعیت سیاست‌گذاری در آن می‌پردازیم.

لازم به ذکر است که شورای فرهنگ عمومی نیز به‌منظور سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت در امر فرهنگ عمومی کشور و زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با عضویت برخی وزرا، رؤسای سازمان‌ها و کمیسیون‌های مجلس شورای

۱. گرفته شده از: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۱۳، آبان و آذر ۱۳۸۶، ص ۱۹-۲۰.

۲. بیانات رهبری در دیدار با شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۹/۲۰.

۳. همان، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.



اسلامی تشکیل شده و براساس وظایف ده‌گانه مسئولیت مهمی را در برابر فرهنگ عمومی جامعه و ارتقای فرهنگی و دینی برعهده دارد که به برخی از وظایف آن اشاره می‌شود:

۱. برنامه‌ریزی و هدایت فرهنگ عمومی به‌منظور تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی،
۲. تهیه و تدوین طرح‌هایی برای هماهنگ کردن کوشش‌های فرهنگی، هنری و تبلیغی در سازمان‌ها و مراکز رسمی، فرهنگی و هنری در جهت اعتلای فرهنگ و هنر و بهبود کیفیت آنها و پیشنهاد طرح‌ها به شورای عالی انقلاب فرهنگی،
۳. فراهم کردن زمینه کاری و هماهنگی دستگاه‌های دولتی در اجرای آن بخش از وظایف آنها که راجع به گسترش، ارتقا و تعمیق فرهنگ عمومی است.

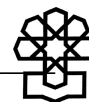
#### الف) سیاست‌گذاری در شورای عالی انقلاب فرهنگی

برای بررسی بهتر سیاست‌گذاری این شورا می‌توان فعالیت آن را به سه دوره تقسیم کرد. این دوره‌ها از زمانی شروع می‌شوند که شورا برای خود اهداف و وظایف جدیدی تهیه کرده است. اولین دوره از تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۵ شروع می‌شود که در این تاریخ اولین «اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» تدوین شد. «بازنگری اهداف و وظایف شورای عالی» در جلسه ۲۹۲ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۸ صورت پذیرفت که از این زمان به‌عنوان آغاز دوره دوم شورا یاد می‌کنیم. سرانجام پیرو حکم ۱۳۷۵/۹/۱۴ رهبر فرزانه انقلاب مبتنی بر تعیین ترکیب و وظایف جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» در ۱۳۷۶/۸/۲۰ انجام شد که این زمان را تاریخ شروع دوره سوم شورا می‌نامیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد از کل مصوبات شورا در این سال‌ها، ۴۴ درصد از آنها در دوره اول به تصویب رسیده که تنها ۳ درصد آن سیاست فرهنگی به‌شمار می‌آید و بقیه شامل دستورالعمل‌های اجرایی - آموزشی دانشگاه‌ها، مصوبات موردی یا ویژه یک دستگاه خاص، انتخاب نمایندگان شورا و اعضای کمیته‌ها و هیئت‌های مختلف است.<sup>۱</sup>

اما در بررسی توصیفی باید گفت در دوره دوم تغییر محسوس در جهت‌گیری کلی وظایف شورای عالی به چشم می‌خورد. در این مقطع برخلاف مقطع قبلی، بخش فرهنگ با فاصله اندکی از بخش‌های دیگر از جمله آموزش، پیشی گرفته و با ده محور و ۱۴ موضوع در صدر قرار

۱. قربانی، علی حسین، بررسی اصول و مبانی مدیریت فرهنگی، پایان‌نامه، ناظر دکتر مسعود موحدی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۶۶



گرفته است. علت این تغییر نیز به استقرار نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها در کشور و تأکیدات مکرر رهبر اندیشمند انقلاب بر توجه جدی به بخش فرهنگ و پرهیز از پرداختن به مسائل جزئی و اجرایی و پرداختن به امور کلان فرهنگ جامعه برمی‌گردد. با وجود این از ۲۴ درصد مصوبات شورا که در دوره دوم به تصویب رسیده است، تنها ۲ درصد آن سیاست فرهنگی بوده و این رقم کمترین میزان سیاست‌گذاری فرهنگی شورا در کل دوران فعالیت خود است. در دوره سوم نیمی از محورها و موضوعات شرح وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی از نظر توصیفی به بخش فرهنگ توجه پیدا می‌کند و موضوعات جدیدی که تاکنون در شرح وظایف وجود نداشته است به آن می‌افزاید. همچنین ۳۲ درصد مصوبات شورا در این مقطع که کوتاه‌ترین دوران فعالیت شورا بوده است به تصویب رسیده که ۱۸ درصد آن سیاست‌گذاری فرهنگی بوده است و این بالاترین درصد سیاست‌گذاری در تمام دوران فعالیت شورا است. به عبارت دیگر، از نظر کیفی بیشترین سیاست‌های فرهنگی در این مقطع به تصویب رسیده است، به خصوص با توجه به اینکه این مقطع از نظر زمانی، نصف مقطع اول بوده است.<sup>۱</sup> در جدول زیر انواع سیاست‌های فرهنگی به کار رفته در مصوبات شورا مقایسه شده است.

---

۱. باقری، محمدرضا، بررسی سیاست‌گذاری در مدیریت کلان فرهنگی ایران، به راهنمایی محمدمهدی مظاهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱، ص ۲۰۷.

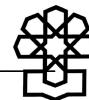


جدول ۱. مقایسه انواع سیاست‌های فرهنگی به‌کار رفته در مصوبات

جمع کل		وحدت در کثرت فرهنگی		یکسان‌سازی فرهنگی		کثرت‌گرایی فرهنگی		مقولات سیاست‌های فرهنگی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	مقاطع
۱۰۰	۱۸۱	۲۹	۵۳	۲۴	۴۴	۴۷	۸۴	مقطع اول ۱۳۷۱-۱۳۶۳
۱۰۰	۱۵۴	۱۶	۲۴	۲۵	۳۸	۵۹	۹۲	مقطع دوم ۱۳۷۶-۱۳۷۱
۱۰۰	۵۴۱	۳۷	۱۹۹	۲۴	۱۲۹	۳۹	۲۱۳	مقطع سوم ۱۳۸۵-۱۳۷۶
۱۰۰	۸۷۶	۳۲	۲۷۶	۲۴	۲۱۱	۴۴	۳۸۹	کل دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳

به نظر می‌رسد مهم‌ترین اقدام شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب مجموعه‌ای از شاخص‌های فرهنگی در ۱۳۸۲/۹/۲۵ باشد. در این مجموعه که شامل یک بخش مقدماتی و سه بخش اصلی است، ۱۶۷ شاخص فرهنگی معرفی شده است که به نظر می‌رسد از جامعیت خوبی برخوردار بوده و تقریباً تمامی فعالیت‌های فرهنگی را دربرمی‌گیرد. عناوین بخش‌های این مصوبه عبارت‌اند از:

۱. شاخص‌های تحولات فکری، بینشی و رفتاری،
۲. شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی،
۳. شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات (این بخش خود شامل ده بخش فرعی است):
  - الف) کتاب،
  - ب) مطبوعات،
  - ج) سینما،
  - د) موسیقی، تئاتر و سایر فعالیت‌های هنری،
  - هـ) ورزش،
  - و) رادیو و تلویزیون،
  - ز) خبرگزاری،
  - ح) سایر رسانه‌های صوتی و تصویری،
  - ط) امور مذهبی،
  - ی) میراث فرهنگی و امور سیاحتی،
  - ک) اقتصاد فرهنگ، پژوهش و مشارکت فرهنگی،
  - ل) مبادلات فرهنگی،



### م) وسایل ارتباطی.<sup>۱</sup>

با وجود تلاش بسیار شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه رشد فرهنگ در جامعه، همچنان شاهد ضعف‌ها و نارسایی‌های بسیار در بخش فرهنگ هستیم. شاید با اندکی تلاش بیشتر شورا می‌توانست نقش فعال‌تری در زمینه توسعه فرهنگی ایفا کند. به نظر می‌رسد تدوین یک استراتژی فرهنگی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای ارتقای همگرایی بین نهادهای فرهنگی می‌تواند به اعتلای فرهنگ جامعه کمک شایانی کند.

امید داریم با تشکیل مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی که به دستور مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد و وظیفه رصد وضعیت موجود فرهنگی کشور، شناسایی به موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی جامعه و آینده‌نگری فرهنگی را به عهده دارد، وضعیت فرهنگ کشور روبه توسعه برود.

در جدول زیر مواردی که باید به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی در اولویت قرار گیرد، آورده شده است:

جدول ۲. توزیع فراوانی مربوط به مواردی که باید به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی در اولویت قرار گیرد<sup>۲</sup>

ردیف	شاخص (درصد)	شرح عنوان (مواردی که باید به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی در اولویت قرار گیرد)
۱	بزرگترین شاخص (۸۵)	اولویت به تربیت نوجوانان
۲	کمترین شاخص (۶۸)	اولویت به فرهنگ بومی
۳	بالاتر از میانگین:	
۳-۱	۷۹	اولویت به مراکز آموزشی و تربیتی متوسطه
۳-۲	۷۹	اولویت به فرهنگ ملی
۳-۳	۷۹	اولویت به سامان‌دهی فرهنگی کشور
۳-۴	۸۱	اولویت به مشارکت‌های مردمی
۳-۵	۸۴	اولویت به تحقیق و توسعه در امور فرهنگی

براساس جدول بالا، آشناسازی نوجوانان با فرهنگ غنی اسلامی، مشارکت‌های مردمی، توسعه و سامان‌دهی امور فرهنگی و ترویج فرهنگ ملی و مقابله با تهاجم فرهنگی از جمله سیاست‌هایی هستند که باید به وسیله شورای عالی انقلاب فرهنگی در اولویت قرار گیرند.

۱. مصوبه ۵۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۹/۲۵.

۲. ناظمی اردکانی، مهدی، همان، ص ۲۱۴.



### ب) جایگاه مشارکت فرهنگی در سیاست‌های شورا

پس از انقلاب اسلامی، مردم جایگاه شایسته خویش را در قانون اساسی یافتند. بررسی این قانون نیز نشان داد که به مشارکت مردم در کلیه امور و از جمله امور فرهنگی توجه شده و حتی قالب اصلی آن یعنی شوراهای اسلامی کشور مشخص شده است. از دیگر سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت فرهنگی، مصوبه شورای عالی اداری است که کلیه دستگاه‌های دولتی را مکلف کرده است تا بخش‌هایی از وظایف خود را به مردم واگذارند.<sup>۱</sup>

درباره توسعه فرهنگی نیز نقش مشارکت مردم از نظر دور نمانده است. مقام معظم رهبری نیز در اصلاح فرهنگی کشور، توجه به این مهم را ضروری دانسته‌اند:

«این کشور نیازمند یک تصحیح فرهنگی است و علاج مشکلات آن نیز با اصلاح فرهنگی امکان‌پذیر است. بنابراین باید مسائل فرهنگی با یک دید وسیع و عمیق مورد توجه قرار گیرد و از تعهد اسلامی، روحیه انقلابی و آمادگی ملت ایران به‌عنوان یک فرصت ارزنده در جهت انجام اصلاحات فرهنگی و اخلاقی استفاده شود.»<sup>۲</sup>

در بیانیه جهانی حقوق بشر که در زمان تأسیس جامعه ملل در سال ۱۹۴۸ منتشر شد نیز آمده است که هرکس به‌صورت آزاد حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه را دارد.

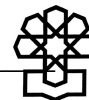
اما در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی عالی‌ترین مرجع اداری، شورای عالی انقلاب فرهنگی است. در بررسی اهداف و وظایف این شورا اگرچه مستقیماً به مشارکت فرهنگی اشاره نشده؛ ولی پاره‌ای از مصوبات این شورا مانند تشکیل شورای فرهنگی و اجتماعی زنان یا شورای عالی جوانان، به‌منزله تعیین سیاست‌هایی برای مشارکت فرهنگی است. در مهم‌ترین مصوبه این شورا درباره سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، یعنی اصول سیاست فرهنگی به روشنی در مورد اهمیت و تلاش برای مشارکت فرهنگی سخن رانده شده است.<sup>۳</sup>

بنابراین، در سیاست فرهنگی کشور، مشارکت فرهنگی دور از چشم نمانده و جایگاه مناسبی را یافته، اما به‌عنوان یک موضوع مستقل کمتر مطرح شده است. بررسی جایگاه مشارکت فرهنگی در سیاست فرهنگی کشور، بیانگر این موضوع است که مسائل ذیل تا حدی از نظر دور مانده است:

۱. ایمانی جاجرمی، حسین، «بررسی جایگاه مشارکت فرهنگی در سیاست فرهنگی کشور»، مشارکت فرهنگی، تهران، آن، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱.

۲. مقام معظم رهبری.

۳. ایمانی جاجرمی، همان، ص ۱۰۱.



۱. مرزهای مداخله نظام سیاسی در قلمرو فرهنگ چندان مشخص نیست.
۲. در برخی از سیاست‌گذاری‌ها مانند تشکیل شورای اجتماعی، فرهنگی زنان و شورای عالی جوانان به نظر می‌رسد بعضی از اهداف آن دور از دسترس و آرمان‌گراست.
۳. به نظر می‌رسد موضوع عدم تفاوت‌های منطقه‌ای چندان در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مربوط به مشارکت فرهنگی لحاظ نشده است.
۴. از آنجا که مشارکت فرهنگی بیش از هر چیز در قالب گروه‌های محلی و کوچک قابل حصول است، نیاز به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دارد که این مسئله در آن لحاظ شده باشد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳. آموزش و پرورش

شیوه آموزش و پرورش می‌تواند برخلاف آنچه تحولات آتی اقتضا می‌کند، فرهنگ خودخواهی، فرصت‌طلبی، تکروی، پنهان‌کاری و توجه به سودآوری کوتاه‌مدت را در اعماق شخصیت افراد نهادینه کند.<sup>۲</sup> فرهنگ امری اکتسابی و فراگرفتنی است و از طریق غریزه و ژنتیک انتقال نمی‌پذیرد. افراد انسانی از طریق تعلیم و تربیت و جامعه‌پذیری عناصر فرهنگ یک جامعه را فرا می‌گیرند و به هویت اجتماعی خود سامان می‌بخشند.<sup>۳</sup>

ارتباط یافتن با دیگران و درک نمادهای یک فرهنگ در اثر آموزش و پرورش امکان‌پذیر می‌شود. دسترسی به فرهنگ و تفکر در اطراف آن، بازبینی و نقادی آن و درعین‌حال اشاعه و توسعه این فرهنگ، همگی منوط به آموزش و پرورش است.<sup>۴</sup>

آموزش و پرورش در عین آنکه رسالت شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی و مذهبی یک جامعه و کمک به حفظ آنها را دارد، رسالت توجه به نیازهای جامعه متحول و مدرن را نیز دارد. بدین ترتیب آموزش و پرورش ضمن اینکه در پذیرش و نفوذ دادن ابعاد مثبت و سازنده فرهنگ جهانی که به‌خصوص از طریق رسانه‌های آموزشی می‌تواند وارد شود نقش دارد، در عین‌حال در حفظ هویت فرهنگی جامعه در مقابل الگوهای مصرفی و تحمیلی که از طریق فرایند جهانی‌سازی، الگوسازی می‌شود، می‌تواند نقش پالایش‌دهنده و آگاه‌کننده داشته باشد.<sup>۵</sup>

ازکیا<sup>۶</sup> برای نظام آموزش و پرورش دو کارکرد اساسی طرح کرده است:

۱. ایمانی جاجرمی، همان، ص ۱۰۱.

۲. چامسکی، نوام، «رویکرد مهندسی در کنترل پدیده‌های اجتماعی»، تدبیر، ش ۱۵۴، ۱۳۸۵.

۳. قلی‌زاده، آذر، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، محتشم، ۱۳۷۹، ص ۶۴.

۴. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.

۵. سلسبیلی، نادر، «آموزش و پرورش و اعتلای فرهنگ»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۶. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کلمه، ۱۳۷۹.



۱. مهارت‌آموزی، انتقال و تولید دانش،

۲. ایجاد و تسری هنجارها و پیش‌نیازهای توسعه و تعبیه نظام شخصیتی مناسب.

چنانچه این کارکردها با جهت‌گیری اصولی و حساب‌شده‌ای پیاده شوند، در توسعه فرهنگ

نقش بسزایی دارند.

بنا به فرمایش مقام معظم رهبری:

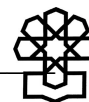
«به اعتقاد بنده، آنچه که امروز بیش از همه چیز باید در آموزش و پرورش ما به آن توجه شود، احیای اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی در دانش‌آموزان است. یعنی باید این‌گونه باشد که اگر کودکی از یک خانواده بی‌اعتقاد و بی‌مبالات نسبت به عمل و اعتقاد اسلامی به مدرسه می‌رود یا کودکی از خانواده‌ای که اعتقاد و مبالاتش هم نسبت به افکار و عمل اسلامی بد نیست ولی به خاطر بی‌سوادی و کمبودهای فکری و روانی والدین توانایی اثرگذاری روی طفل را ندارند، اگر از چنین خانواده‌هایی هم کودکی وارد محیط تحت تسلط آموزش و پرورش می‌شود، باید اینجا آن خلأها جبران شود یعنی این کودک ..... یک آدم متدینی بشود»<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در مسئله آموزش، احیای اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی را همزمان دیده است. یعنی به واسطه آموزش و پرورش کمبودهای فکری و روانی به صورتی جبران شود که کودک آدم متدینی بشود.

آموزش‌های رسمی که با اهداف و محتوای مشخص و از قبل تدوین شده، آموزش کودکان و نوجوانان را به عهده دارند، در مهندسی فرهنگی کشور نقش زیربنایی دارند. ارزش‌ها، محور و هسته مرکزی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. اگر بپذیریم ارزش‌های درونی‌شده در دوره‌های کودکی و نوجوانی زیرساخت فکری و نگرش توسعه فرهنگ را تشکیل می‌دهند، باید قبول کنیم نهادهای فرهنگی و آموزشی قدم‌های نخستین و بنیادی را در جهت مهندسی فرهنگی برمی‌دارند. آنچه در آموزش و پرورش و آموزش عالی با عنوان تعلیم و تربیت انجام می‌گیرد، در واقع یک فرایند درونی‌سازی نظام ارزش‌ها و نگرش‌ها در افراد است. بعد آموزشی فعالیت‌های نهادهای آموزشی - فرهنگی قابل انکار نیست، ولی آموزش‌ها وقتی پایدار می‌مانند که با «پرورش» آمیختگی داشته باشند. از طریق این درآمیختگی است که ارزش‌ها درونی شده و فرهنگ تولید می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. سخنان مقام معظم رهبری، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۴۰۱.

۲. ملکی، حسن، «مهندسی فرهنگی از طریق آموزش‌های رسمی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی - مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۸۹-۹۱.



رهبر کبیر انقلاب اسلامی (ره) همواره تأکید داشتند: «تکلیف شما آقایان این است که این جوان‌ها را بار بیاورید به طوری که پرورش کنند، همان آموزش تنها نباشد»<sup>۱</sup>.  
تلفیق آموزش و پرورش از آرمان‌های بلند رهبر کبیر انقلاب بوده است. این فرمان اغلب به صورت تکلیفی بیان می‌شد تا رغبت به عمل بیشتر شود.

الف) نگاهی به نظام آموزشی و دیدگاه‌های حاکم بر برنامه‌های درسی موجود بر اساس پژوهشی که درباره عوامل تأثیرگذار سیاسی - اجتماعی، تفاوت در تأکیدها و تعارض‌های ارزشی، فلسفی و دیدگاهی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در ایران در سال ۱۳۸۲ انجام گرفته است،<sup>۲</sup> نظام آموزش و پرورش عمومی و متوسطه و دیدگاه‌های حاکم بر برنامه‌های درسی با مسائلی به شرح زیر روبه‌رو است:

۱. نظام آموزشی در ایران، نظامی با اقتباس‌های ناقص از سایر نظام‌هاست، متکی به روش‌های سنتی و القایی در آموزش و پرورش به خصوص در حوزه اندیشه و اعتقادی است.  
۲. نظام برنامه‌های درسی موجود، نظامی سنتی و مقاوم در مقابل تحولات اساسی و نوآوری در یادگیری است و تا حدود زیادی ناتوان است. (در انطباق با تحولات جامعه ایران و جامعه جهانی).

۳. در این نظام برنامه‌های درسی، روی دیدگاه‌هایی همخوان و نظریه تربیتی متکی بر مبنای نظری - فلسفی منسجم با شاخص‌های معینی تکیه نمی‌شود. تعریف دقیق و جامعی از انسان آرمانی و جامعه مطلوب که در برنامه‌های درسی و روش‌های آموزش انعکاس یابد مشهود نیست.<sup>۳</sup>

۴. برنامه‌های درسی بیشتر جهت‌گیری موضوع‌مدار و انتقال معلومات دارند که با کارکردها و شاخص‌های توسعه فرهنگی که مطرح شد همخوانی قابل توجهی ندارند. تأکید بر کتاب درسی به جای توجه به فرصت‌های یادگیری در تدوین و اجرای برنامه‌های درسی کاملاً محسوس است.

۵. امتحان‌مداری و آماده شدن برای کنکور، حافظه‌مداری در آموزش‌ها و در نظام سنجش، پاسخ‌مداری به جای مسئله‌مداری و ژرف‌اندیشی، کاملاً در این نظام حاکم است.

۱. بیانات امام خمینی (ره) در دیدار با جامعه فرهنگیان قم، ۱۳۵۸/۱/۱۶.

۲. سلسبیلی، نادر، عوامل تأثیرگذار سیاسی - اجتماعی، تفاوت در تأکیدها و تعارض‌های ارزشی، فلسفی و دیدگاهی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲، ص ۹۰-۹۲.

۳. گویا، زهرا، سیر تحول و شکل‌گیری برنامه‌های درسی آموزش متوسطه در ایران، تعلیم و تربیت، ش ۵۷، ۱۳۷۸.



۶. ناتوانی برنامه درسی و روش‌های آموزشی در عقلانی کردن نگرش‌های دانش‌آموزان و اشاعه روش‌های تفکر علمی کاملاً محسوس است.

۷. بلا تکلیفی و ابهام ناشی از نداشتن دیدگاه‌های سنجیده در حوزه برنامه درسی و آموزش، ناهمخوانی و ناهماهنگی در دیدگاه‌های برنامه درسی، فقدان تلفیقی همخوان و هماهنگ از دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌ها در برنامه‌های درسی کاملاً مشخص است، به طوری که برنامه درسی نمی‌تواند پیشرفت‌دهنده و توسعه‌دهنده واقعی یادگیری‌ها باشد و رشد شناختی، رشد اجتماعی و رشد انسانی دانش‌آموز از طریق برنامه درسی چندان تقویت نمی‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نوسازی نظام آموزشی را از رویکردهای مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌داند:

«نکته دیگری که یادداشت کرده‌ام، مسئله نوسازی نظام آموزش و تصحیح مدل قدیمی رایج در کشور است، بارها در جلساتی که در این جا به مناسبت مسائل فرهنگی تشکیل شده، افراد دلسوز می‌گویند که ما این نظام قدیمی «حافظه‌پروری» را تبدیل کنیم به نظام‌های پیشرفته به روز دنیا، الان در دنیا نظام‌های جدیدی برای آموزش کودکان، نوجوانان و جوانان - چه در دوره دبیرستان چه در دوره دانشگاه به وجود آمده است. بالاخره ما باید از یک مقطعی شروع کنیم و این شیوه قدیمی شصت سال پیش را که همچنان حاکم بر کشور است، تبدیل و تصحیح کنیم، یا باید آن را به طور کلی تغییر بدهیم یا به صورت تدریجی تغییر بدهیم»<sup>۱</sup>

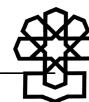
بنابراین، تغییر رویکرد نظام آموزش و پرورش از حافظه‌پروری به خلاقیت‌پروری و نوآوری و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی که از ضرورت‌های مهم نوسازی و تحول نظام آموزشی کشور محسوب می‌شود، را می‌توان اقدامی زیربنایی در خصوص رفع مظلومیت از فرهنگ و مهندسی فرهنگی در جامعه دانست. در ادامه به تبیین برخی راهکارهای مؤثر درباره تغییر و تحول نظام آموزش و پرورش می‌پردازیم.

(ب) راهکارهای اصلاح نظام آموزش و پرورش

• حذف سیستم حفظ‌محوری از درس معارف

تا زمانی که دانش‌آموز در دوره راهنمایی به کتاب معارف اسلامی به دید یک کتاب درسی نگاه می‌کند که باید آن را حفظ کرده و خرداد ماه امتحان دهد یا در دوره دبیرستان به چشم کتابی

۱. بیانات در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴.



که در کنکور ضریب دو دارد بنگرد، تلاش می‌کند هر جمله آن را به جای به دل سپردن، تبدیل به یک تست کنکور کند. پس نباید از وی انتظار داشت که این اطلاعات را چندی بعد از یاد نبرد. برای رفع این معضل، باید خیال دانش‌آموز را از دغدغه دخالت درس بینش اسلامی در کنکور راحت کرد و در کتاب‌های درسی تنها به یکسری سرفصل‌ها اشاره شده و از معلم خواسته شود که در کلاس، هر مورد را به بحث گذارد و با مشارکت دانش‌آموزان در اظهار عقاید مخالف و موافق، شبهاتی را که در ضمیر ناخودآگاه وی نقش بسته بیرون بکشد و او را تشویق به تحقیق در مورد آنها کند.<sup>۱</sup>

درس بینش اسلامی باید هدفمند باشد و اذهان دانش‌آموزان را با مفاهیم آن درگیر کند. اگر دانش‌آموز با مفاهیم آن درگیر شود، دغدغه کنکور را فراموش می‌کند.

#### • ایجاد فرهنگ مطالعه در بین دانش‌آموزان

برای این کار می‌توان در کنار سایر کلاس‌های درسی، کلاسی با عنوان کلاس کتابخوانی ایجاد کرد و در ابتدای کلاس یکسری کتاب برگزیده در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد تا هر یک به انتخاب خود به مطالعه یکی از آنها بپردازند.<sup>۲</sup>

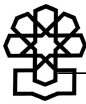
شاید مفهوم‌شناسی و مفهوم پژوهی مناسب‌تر باشد. اگر دانش‌آموز به جای درس‌خوانی به مفهوم‌شناسی و مفهوم پژوهی روی آورد، به کلی ذهن او متحول می‌شود.

#### • رفع بحران هویت در جوانان

این کار می‌تواند از طریق عمق بخشیدن به محتوای کتب درسی چه از نظر عقیدتی و چه از نظر ارائه الگوهایی که به‌رغم تنوع و نیز امکان ایجاد احساس تعلق در جوان ایرانی - مانند زندگی‌نامه شهدای دفاع مقدس - چندان در معرض دید ایشان قرار نگرفته‌اند، صورت پذیرد. همچنین، حضور فردی دلسوز، آگاه، متعهد و خوش‌فکر در هر مدرسه که نقش مشاوره امین را برای دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان ایفا کند، برای رفع این بحران می‌تواند مفید واقع شود.<sup>۳</sup>

### ۳-۳. آموزش عالی

۱. طلائیگی، اکبر. «آسیب‌شناسی فرهنگی نظام آموزش و پرورش کشور». مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰.  
۲. همان.  
۳. برگرفته از: همان.



دانشگاه از جمله مراکز حساس و مهم در زمینه ارتقا و رشد فرهنگی جامعه بوده و می‌توان با افزایش سطح آگاهی و دانش فرهنگی دانشجویان برای کاهش فقر و مظلومیت فرهنگی کشور حرکت کرد.

بنا به فرموده امام خمینی (ره):

«دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می‌کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند. دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه - چه دانشگاه علوم قدیم، چه دانشگاه علوم جدید - سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. در دانشگاه باید جدیت کرد، جدیت بکنید، دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی کنید»<sup>۱</sup>.

امام خمینی (ره) دانشگاه را به خوب و بد و سعادت محور و شقاوت محور تقسیم کرده است. او دانشگاه را مبدأ همه تحولات دانسته که سعادت یا شقاوت یک ملت از آن سرچشمه می‌گیرد و از این رو برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها دغدغه داشته است.

نیروی انسانی ارزش‌گرا نیرویی است که در خود او ارزش‌های مطلوب جامعه اسلامی درونی شده و نسبت به تقویت و تحکیم ارزش‌ها و فرهنگ دینی طرز تلقی مثبت دارد. در میان نیروی انسانی «معلمان» و «استادان دانشگاه» از بقیه مهم‌تر هستند. وقتی یک استاد دانشگاه تدریس خود را آغاز می‌کند، مواد و مصالح مهندسی فرهنگی را از طریق آموزش ارزش‌ها تدارک می‌بیند. او باید طوری تربیت شود که نسبت به جنبه‌های فرهنگی تدریس خود ارزش قائل شود و دانشجویان را به مجموعه‌ای از اهداف فرهنگی نیز برساند. باید اعتراف شود که دانشگاه‌ها در این زمینه با مشکلات اساسی مواجه هستند. اگر به این موضوع توجه نشود، مهندسی فرهنگی در دانشگاه قابل تحقق نخواهد بود. این ضرورت در آموزش و پرورش به‌طور مضاعف احساس می‌شود، زیرا فرهنگ زیربنایی و نخستین، در این دوره درونی و آموزش‌های دانشگاه براساس آموخته‌های پیشین استوار می‌شود.<sup>۲</sup>

بنا به فرموده مقام معظم رهبری:

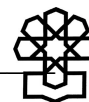
«باید در همه شئون جامعه و به‌طور اخص در دانشگاه‌ها روزبه‌روز به فرهنگ انقلابی

نزدیک‌تر شده و کار و تلاش فرهنگی به‌صورتی انقلابی و با کمال سلامت انجام پذیرد»<sup>۳</sup>.

۱. اسدی مقدم، کبری، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱.

۲. ملکی، حسین، «مهندسی فرهنگی از طریق آموزش‌های رسمی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ص ۹۱.

۳. بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۹/۱۹.



از طرفی، امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم نوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد».<sup>۱</sup>

بنابراین، وحدت حوزه و دانشگاه نیز امری است که همواره مورد توجه و تأکید امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی قرار گرفته است، زیرا این مهم در پیشبرد سطح فرهنگی دانشگاه و دانشجویان بسیار اهمیت دارد. بدین معنا که هر دو گروه از علم، ایمان، آگاهی و تعهد اسلامی برخوردار باشند. حوزه خود را از علوم روز و زبان روز بی‌نیاز احساس نکند. دانشگاه نیز فقط بر علوم پایه و تجربی تکیه نداشته باشد و فرهنگ معارف دینی و قرآنی در دانشگاه‌ها جایگاهی رفیع‌تر از علوم پایه و تجربی بیابد و اخلاق و تربیت اسلامی بر محیط دانشگاه و زندگی استادان و دانشجویان حاکم شود تا کارایی علوم پایه و تجربی مسیری سالم یابد و در مقابل تهاجم فرهنگ غربی، سنگری پایدار شود. اگر در دانشگاه‌های ما چنین روحیه فرهنگی حاکم نشود و تنها بر علم و صنعت در محدوده علوم تجربی بپردازیم و دانشجویان و استادان ما خود و برنامه‌هایشان را از اخلاق و معارف قرآنی به صورت جدی بی‌نیاز احساس کنند، هرگز نخواهند توانست قدرت دفاعی فرهنگی جامعه را در مقابل یورش فرهنگ بالا ببرند و احیاناً خود نیز مبلغ فرهنگ غرب می‌شوند.<sup>۲</sup>

بنا به فرمایش امام خمینی (ره) چنانچه تربیت روحی و پرورش معنوی در کنار علم نباشد و در دانشگاه‌ها فقط به تربیت علمی توجه شود، چه بسا همین علم مایه فساد شده و همین عالمی که تهذیب نفس نداشته برای کشور تحفه فساد می‌آورد.<sup>۳</sup>

مقام معظم رهبری نیز در این مورد می‌فرمایند:

«نظام اسلامی نیازمند آن است که اصل علم و فرهنگ و معرفت در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها هرچه بیشتر به هم نزدیک شوند و با یکدیگر همکاری کنند و هریک دیگری را در جهت تکامل هرچه بیشتر یاری دهند».<sup>۴</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۵۶.

۲. برگرفته از: کاووسی، اسماعیل و صالحی امیری، سیدرضا، ص ۹۴-۹۵.

۳. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، «سخنرانی در جمع مسئولان وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی»، ۱۳۶۱/۶/۲۸، ج ۱۶، ص ۴۹۷.

۴. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.



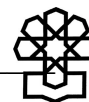
مقام معظم رهبری اذهان را به تعامل علمی و فرهنگی و معرفتی حوزه و دانشگاه فرا می‌خوانند تا امکان تکامل فراهم شود.

بنابراین تعامل حوزه و دانشگاه به عنوان دو پایه مهم تولید علم، فکر و فرهنگ از اهمیت بسزایی برخوردار است که موجب مهار بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. از طرفی، در بیانات امام و رهبری به جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در حوزه و دانشگاه توجه شده است. اما متأسفانه با توجه به این بیانات و اشارات، آنچنان که باید این کار صورت نگرفته است و لازم است که حوزه و دانشگاه به این مهم توجه بیشتر بنمایند.

### الف) آسیب‌ها و چالش‌های سیستم آموزش عالی

#### • زمینه‌ها و مصادیق درونی

۱. عدم رشد متناسب آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی دانشجویان و استادان و در نتیجه کاهش تعهد به ارزش‌های مشترک، اعتماد به نفس و خودباوری،
۲. عدم دستیابی آسان دانشجویان به الگوهای عملی و جذاب دینی در محیط دانشگاه و وجود تفسیرهای سلیقه‌ای از مبانی دینی،
۳. عدم دستیابی به الگوها و شیوه‌های منطقی گفت‌وگو برای حل مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و صنفی در محیط دانشگاه،
۴. عدم شکل‌گیری و فراگیری مطلوب تشکلهای دانشجویان و استادان، وجود برخی اختلالات و تشنّت‌ها و ضعف در ادراک اهداف و آرمان‌های منافع مشترک،
۵. کاهش کیفیت آموزش‌ها به دلیل مشکلات گوناگون اداری، اجرایی، مالی و عدم تناسب رشد امکانات و ظرفیت‌ها با رشد مأموریت‌ها و وظایف و افزایش کمی دانشجویان،
۶. کمبود امکانات، فضاها و بودجه فرهنگی دانشگاه‌ها،
۷. عدم وجود رشته‌های تحصیلی مرتبط با فرهنگ در مقاطع مختلف،
۸. انعطاف‌ناپذیری نظام اداری و عدم هم‌پایی آن با فضای فرهنگی دانشگاه و نیازهای جدید،
۹. کاهش نشاط، فعالیت و سرزندگی در دانشجویان و استادان به دلیل مشکلات معیشتی و اجتماعی،
۱۰. فقدان تربیت کارشناسان فرهنگی دارای تحصیلات دانشگاهی،



۱۱. وجود برخی تعارضات و عدم انسجام در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌ها.

۱۲. وجود برخی زمینه‌های نارضایتی در دانشجویان که موجب تمرد، مخالفت و یأس می‌شود.<sup>۱</sup>

• زمینه‌ها و مصادیق بیرونی

۱. عدم شناخت کافی و جامع دانشگاه و ویژگی‌ها و حساسیت‌های آن به وسیله اکثر مسئولین و سیاست‌گذاران،

۲. توقعات روزافزون حکومت و مردم از دانشگاه، به صورتی غیرمتناسب با میزان سرمایه‌گذاری مادی و معنوی،

۳. برخورد سطحی، قشری و همراه با سوءظن با دانشگاه و مسائل فرهنگی دانشگاه،

۴. کاهش معنویت در سطح جامعه و به تبع آن دانشگاه و از طرفی ضعف روزآمد کردن اندیشه‌ها و معارف دینی و ترجمه آنها به زبان دانشجوی،

۵. لحاظ نکردن دانشگاه به عنوان یک کل به هم بافته و عدم توجه به رابطه تنگاتنگ مسائل اقتصادی و فرهنگی به وسیله سیاست‌گذاران،

۶. ضعف در مشارکت دانشگاهیان در تصمیم‌سازی‌ها به ویژه تصمیمات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و پایین آمدن شأن اجتماعی دانشگاه‌ها.

(ب) راهکارهایی برای توسعه فرهنگ در نظام آموزش عالی

۱. شناخت مشکلات فرهنگی دانشگاه و دانشجویان و تنظیم سیاست‌های تربیتی و آموزشی صحیح،

۲. برنامه‌ریزی در جهت کاهش فرهنگ علم‌زدگی و مدرک‌گرایی رایج در دانشگاه‌ها،

۳. تأسیس دانشکده‌های فرهنگ و رشته‌های مرتبط و احیای پژوهش‌های بنیادین فرهنگی،

۴. اختصاص واحد درسی در زمینه آشنایی با فرهنگ جامعه، مسائل و مشکلات آن برای تمام رشته‌های دانشگاهی،

۵. حذف سیستم حفظ محوری و افزایش روحیه خلاقیت و نوآوری و تولید مفاهیم در بین دانشجویان.

۱. بقائی‌پور، کسری و رمضان‌نژاد، محبوبه، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها»، مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۲۱-۲۲.



جدول زیر براساس تحقیقی ارائه شده است که از دانشجویان دانشگاه‌های استان اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ به عمل آمده است:

جدول ۳. توزیع توصیفی نظرات دانشجویان در زمینه راهکارهای اساسی ترویج «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»<sup>۱</sup>

راهکارها	فراوانی	درصد
تشکیل اتاق فکر در دانشگاه بین دانشجویان برای ترویج «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»	۵۲۸	۶۹/۰۲
برگزاری همایش‌های مختلف در زمینه «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»	۴۸۲	۶۳/۰۱
اختصاص دادن ۲ واحد درسی در زمینه «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»	۴۲۲	۵۵/۱۶
تشکیل انجمن دانشجویی «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»	۳۹۵	۵۱/۶۳
توسعه و ترویج دو واژه مذکور توسط اساتید در کلاس‌های درس	۳۸۸	۵۰/۷۲
نگارش یک کتاب درسی کامل و جامع در زمینه «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی»	۲۴۵	۳۲/۰۱

### ۳-۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

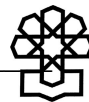
این وزارتخانه به‌عنوان اصلی‌ترین بخش دولت جمهوری اسلامی در امر فرهنگ، اختیارات و وظایف مهمی در برابر کل جامعه و مجموعه کارکنان و کارمندان دولت که بخش مهمی از جامعه انسانی کشور را تشکیل می‌دهند، برعهده دارد. وظایفی که برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان تنها وزارتخانه متکفل امر فرهنگ و هنر در کشور نهاده شده وسیع و قابل توجه است. براساس قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه توسعه اول، دوم، سوم و چهارم و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، این وزارتخانه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم موظف به اجرای برخی سیاست‌های فرهنگی بوده و مسئولیت‌هایی برای ارتقای فرهنگ عمومی و اعتلای فرهنگ جامعه پذیرفته است.<sup>۲</sup>

### الف) اهداف و وظایف

براساس قانون، برخی از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عبارت‌اند از: رشد فضایل اخلاقی و اعتلای آگاهی‌های عمومی، توسعه کتابخانه‌ها و فرهنگ کتاب و کتابخوانی و ترویج و نشر آثار امام (ره)، تقویت روح تحقیق، تتبع و ابتکار در همه زمینه‌های فرهنگی، تحقیق درباره آثار و وسایل ارتباط جمعی، تهیه آیین‌نامه تشکیل جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی و ...

۱. همان.

۲. فتاحی اربکانی، «بررسی نقش و جایگاه دستگاه‌های فرهنگی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۴، ص ۳۰۴ و ۳۰۶.



در راستای دستیابی به این هدف‌ها، تعداد ۵۹ سازمان، پژوهشکده و معاونت زیر نظر این وزارتخانه فعالیت می‌کنند که از آن جمله‌اند: اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، معاونت امور فرهنگی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی فرهنگی، خانه کتاب ایران، دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران و ....

حال، با توجه به اهداف و وظایفی که قانون بر عهده این وزارتخانه - به‌عنوان تنها وزارتخانه متکفل امور فرهنگی - گذاشته است و با وجود داشتن پژوهشکده‌های فرهنگی و هنری، آیا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توانسته است در مدیریت فرهنگی و ارائه برنامه‌های راهبردی و شناسایی نیازهای فرهنگی گام مؤثری برداشته و نقش مناسبی ایفا کند؟ آیا می‌توان بخشی از مظلومیت فرهنگ را به ضعف مدیریت و کمبود افراد فرهیخته فرهنگی در این دستگاه ارتباط داد؟

از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی، می‌توان سینما، کتاب و کتابخوانی، مطبوعات، امور هنری، رسانه‌های خارجی و تبلیغات را نام برد که در این‌جا برای نمونه به بررسی مختصر وضعیت کتاب و کتابخوانی در کشور می‌پردازیم.

بررسی آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ حدود ۵۲ هزار عنوان کتاب<sup>۱</sup> با شمار بیش از ۲۲۳ میلیون نسخه<sup>۲</sup> با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده

۱. سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵، ص ۳۸.

۲. همان.



جدول ۴. تعداد عناوین کتاب‌های منتشرشده برحسب تألیف و ترجمه

سال	تألیف	ترجمه	جمع
۱۳۷۰	۴۶۲۸	۲۳۴۱	۶۹۶۹
۱۳۷۵	۱۱۹۶۰	۲۴۵۵	۱۴۴۱۵
۱۳۸۰	۲۶۵۶۱	۵۸۷۶	۳۲۴۳۷
۱۳۸۱	۲۷۹۶۶	۸۲۹۹	۳۶۲۶۵
۱۳۸۲	۲۹۰۷۹	۸۶۸۰	۳۷۷۵۹
۱۳۸۳	۳۲۲۴۷	۹۶۳۱	۴۱۸۷۸
۱۳۸۴	۴۰۸۶۱	۱۲۱۶۰	۵۳۰۲۱
۱۳۸۵	۴۰۵۵۱	۱۰۸۰۰	۵۱۳۵۱

مأخذ: سالنامه آماری ۱۳۸۵، ص ۶۵۶

از سوی دیگر، براساس آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سال ۱۳۸۵ تنها ۱۷۲۹ کتابخانه عمومی<sup>۱</sup> در سراسر کشور مشغول خدمت‌رسانی به قشر کتابخوان جامعه هستند. حال آنکه کتابخانه‌ها به عنوان یک نهاد و مرجع فرهنگی نقش مهمی در حفظ و توسعه فرهنگ جامعه دارند. این آمار در عین تأسفانگیز بودن، لزوم اتخاذ سیاست‌های پایه‌ای و اساسی را بیش از پیش روشن می‌کند که در صورت عدم پرداختن به آنها کمترین ضرری که در درازمدت گریبانگیر جامعه خواهد شد، از بین رفتن حافظه تاریخی، اجتماعی ملت ما و غلطیدن به ورطه هلاک فرهنگی و آلت شدن جوامع و فرهنگ‌های دیگر است.<sup>۲</sup>

بنابراین، لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تقویت مالی کتابخانه‌ها، آموزش کتابداران، توسعه کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مدارس و... نسبت به این شاخص مهم فرهنگی و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی نظر ویژه داشته باشد.

#### ب) چالش‌های موجود در حوزه فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به نظر می‌رسد این وزارتخانه در ارتباط با انجام کارهای فرهنگی، با مشکلاتی روبه‌رو است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. نبود برنامه راهبردی و سیاست‌گذاری کلان در بخش فرهنگی،
۲. عدم تعامل منطقی و سازنده میان نهادهای فرهنگی در اجرای برنامه‌های مشخص یا مشترک،
۳. موازی‌کاری در برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی،

۱. همان، ص ۶۵۳

۲. حسین لی، رسول، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، آن، ۱۳۷۹، ص ۶۵۳



۴. ضعف مدیریت فرهنگی کشور و کمبود افراد لایق در این بخش،
۵. عدم توجه لازم از سوی دولت و نهادهای مسئول به مقوله فرهنگ،
۶. برخوردار نبودن جریان‌های فرهنگی کشور از رشد و تحول و پویایی مناسب،
۷. عدم استفاده کامل از ظرفیت‌ها و مواریت فرهنگی و ارزشی کشور،
۸. ضعف مشارکت مردمی در بخش فرهنگ عمومی جامعه،
۹. عدم شناسایی نیازهای جدید و عدم پاسخ‌گویی به مطالبات نو،
۱۰. ناهماهنگی با نهادهای مسئول در طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در محیط‌های اداری و کارمندی،
۱۱. شفاف نبودن اهداف و وظایف مصوب در بخش ارتقای فرهنگ سازمانی.

### ۳-۵. صدا و سیما

در کشور ما، صدا و سیما یک رسانه ملی است که نقش ویژه‌ای در ارتقای سطح فرهنگ جامعه داشته و می‌توان آن را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ بررسی کرد. بنابراین، یکی از ارگان‌های حساس که نقش تعیین‌کننده‌ای در رسیدن به اهداف والای فرهنگی دارد، رادیو و تلویزیون است که به‌خاطر سطح پوشش و قدرت تأثیربخشی‌اش، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همین دستگاہ بود که در نظام وابسته و استعماری گذشته این سرزمین، مبلغ فرهنگ استعماری غرب بود و با حیطة نفوذ وسیع خویش می‌رفت تا جامعه‌ای خودباخته و مصرفی را پایه‌گذاری کند. اما پس از آن، رسالت این رسانه حساس تغییر کرد و به گفته امام (ره) به دانشگاهی بزرگ تبدیل شد.<sup>۱</sup>

امام خمینی (ره) در پیام رادیو تلویزیونی خود به ملت ایران در ۱۳۵۹/۴/۷ می‌فرماید: «رادیو - تلویزیون را که من مکرر ذکر کرده‌ام از آن و گفته‌ام این باید یک مرکز آموزشی باشد ... این باید به طور آموزشی - تربیتی مردم را تربیت کند».<sup>۲</sup>

در ایفای این نقش حساس، قانون اساسی چنین رهنمود می‌دهد:

«وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند».<sup>۳</sup>

۱. حسام، فرحناز، «بررسی چگونگی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تهیه برنامه‌های تلویزیونی»، مشارکت فرهنگی، ص ۲۵۴.

۲. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۸۳.

۳. مقدمه قانون اساسی.



قانون اساسی به صورت روشن چند هدف رادیو و تلویزیون را بیان کرده است:

۱. تکامل انقلاب اسلامی،

۲. اشاعه فرهنگ اسلامی،

۳. برخورد سالم با اندیشه‌های متفاوت،

۴. پرهیز از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی.

تلویزیون بخشی از واقعیت زندگی روزمره ملت و عالم صغیر دنیای اجتماعی ما را در نور دیده است. تلویزیون در تنظیم و سازمان‌دهی این جهان نیز دخالت می‌کند. در برنامه‌ریزی امور روزمره و تعامل اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و چارچوب‌هایی را برای ادراک جمعی عرضه می‌دارد. جرج‌گربنر در نوشته‌هایش تلویزیون را بازوی فرهنگی نظم صنعتی خوانده بود.<sup>۱</sup>

رادیو نیز مانند تمام رسانه‌ها برای خود هاله‌ای دارد که گرداگرد او را گرفته است و موجب می‌شود تا اثر آن به‌طور کامل مشهود نشود. در نگاه اول این‌گونه تصور می‌شود که هدف رادیو فقط خود شنونده است که به‌نحوی صادقانه و کاملاً انحصاری و خصوصی می‌خواهد او را تحت تأثیر قرار دهد، در حالی که واقعیت غیر از این است، زیرا این جعبه اثری وافر در ناخودآگاه دارد و به‌طور اعجاب‌انگیزی قادر است گوشه و کنارهای فراموش شده و از یاد رفته انسان را تحریک کند.<sup>۲</sup>

رادیو، سهل‌ترین و رایج‌ترین وسیله ارتباط جمعی است. در این عصر، به سبب یورش رسانه‌های تصویری از اعتبار و قدرت رادیو به‌عنوان رسانه انحصاری تا حد زیادی کاسته شده است؛ اما به‌دلیل خاصیت سمعی بودن آن و اینکه هم‌زمان می‌توان هم به رادیو گوش داد و هم به کار دیگری پرداخت، موفقیت ویژه دارد.<sup>۳</sup>

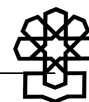
رادیو با مفاهیم سروکار دارد و همین رمز توفیق رادیو است. به‌ویژه رادیو با زبان ساده و روان در دل مخاطب اثر می‌گذارد و او را به شنیدن پیام‌های خود وامی‌دارد.

از طرفی، عامل مؤثر در برنامه‌های تلویزیونی به‌خصوص در مورد جوانان زمینه‌های شخصیتی و شیوه تفکر آنان است و در واقع باید گفت که اهمیت این عامل فوق‌العاده بیشتر از اهمیت ماهیت برنامه‌هایی است که ارائه می‌شود. هدف ما احاطه مخاطب با انبوه پیام و برنامه‌های دیداری و شنیداری نیست، بی‌اینکه هیچ اثری در ذهن او به‌جا گذاشته یا هیچ زمینه

۱. دالگران، پیتر، تلویزیون و گستره عمومی، ترجمه مهدی شفقتی، تهران، سروش، ۱۳۸۰، ص ۷۰.

۲. مکلوهان، مارشال، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷، ص ۳۵۵.

۳. پستمن، نیل، نقش رسانه‌های تصویری در دوران کودکی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸.



ذهنی و حسی را در او ایجاد کرده باشیم، بلکه می‌خواهیم او را در یک مسیر آموزش فرهنگی قرار دهیم.<sup>۱</sup>

هم‌اکنون در کشور ما این مهم محقق نشده است و با اینکه برنامه چهارم توسعه در حال اجراست و افق رسانه در چشم‌انداز توسعه ترسیم شده است، رسانه صدا و سیما در ترسیم سپهر فرهنگی کشور راه درازی در پیش دارد و گرچه تعدادی برنامه محققانه تولید شده است، ولی همه برنامه‌ها نیازمند تفکر و توفیق در راستای چشم‌انداز توسعه است. تحلیل محتوای مقایسه‌ای چند سریال تلویزیونی در کشور نشان می‌دهد که ترویج «ارزش‌های مادی‌گرایانه و تجمل‌گرایی» جای ارزش‌های ایثارگرانه و ارزشی را گرفته و ما راه درازی تا نیل به رسانه توسعه‌مدار داریم.<sup>۲</sup>

### ۳-۶. کمیسیون فرهنگی مجلس

یکی دیگر از بخش‌هایی که می‌تواند نقش بسزایی در امر توسعه فرهنگی کشور ایفا کند، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی است.

سؤال اساسی این است که کمیسیون فرهنگی برای تعمیق، توسعه و ترویج فرهنگ چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟ آیا نقش کمیسیون فرهنگی فقط مدیریت و قانون‌گذاری است یا باید در اجرای قوانین نیز نقش مناسبی ایفا کند؟

جواد آرین‌منش،<sup>۳</sup> عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هفتم، جایگاه کمیسیون فرهنگی مجلس را این‌گونه ترسیم می‌کند:

جایگاه کمیسیون فرهنگی مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی مشخص نیست و گاهی تداخل پیش می‌آید. کمیسیون فرهنگی در صورتی می‌تواند موفق باشد که همکاری نزدیکی بین شورای عالی انقلاب فرهنگی، دولت و مجلس در حوزه فرهنگ به‌وجود بیاید. به‌صورتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی نقش سیاست‌گذاری خودش را ایفا کند و وارد مسائل جزئی حوزه فرهنگ نشود و مجلس خلأهای قانونی را از بین ببرد و نرم‌افزار کار فرهنگی را مهیا کند و دولت هم مجری مصوبات باشد. یعنی اگر سه حلقه سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و اجرا مکمل هم باشند، می‌توان در حوزه فرهنگ تحولاتی شگرف را انجام داد.

۱. ژیرار، آکوستین، توسعه فرهنگی، ترجمه عبدالحمید زرین‌قلم و ... مرکز پژوهش‌های بنیادی، ۱۳۷۲، ص ۶۵.

۲. آغاز، محمدحسن، و جعفرنژاد، سید ابوالفضل، «نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در سازمان‌دهی توسعه و بهبود افق چشم‌انداز»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۳/۲۶.



وی چالش‌های موجود در حوزه فرهنگ را ناشی از همین امر می‌داند. اما آیا به‌راستی مجلس تنها نقش قانون‌گذاری داشته و در نظارت بر اجرای قوانین هیچ نقشی بر عهده این قوه نیست؟

سیدجلال یحیی‌زاده<sup>۱</sup> عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در دوره هفتم و دوره جدید، عامل مظلومیت فرهنگ در تمامی دوره‌های مجلس را به نحوی در خود مجلس می‌داند. وی به‌عنوان نمونه به اختصاص بیان کاری مجلس به پروژه‌های عمرانی، نفتی و اقتصادی و عدم ارائه کارهای فرهنگی مثل وضعیت کتاب، هنر و فرهنگ در سطح شهرستان‌ها و حوزه‌های انتخابیه در بیان کار نمایندگان و نیز عضویت چهره‌های فرهنگی، در کمیسیون‌های دیگر اشاره نمود. یحیی‌زاده درباره جایگاه کمیسیون فرهنگی نیز اظهار داشته است:

«کمیسیون فرهنگی به خاطر موضوع مهمی که در دستور کار دارد و جایگاهش به لحاظ حقوقی، از یک سو می‌تواند در بسترسازی مناسب در حوزه فرهنگ نقش خوبی را ایفا کند و از سوی دیگر با توجه به اینکه کمیسیون فرهنگی با بسیاری از دستگاه‌های فرهنگ‌ساز در ارتباط است می‌تواند در نظارت‌ها، جهت‌دهی و سیاست‌گذاری نقش داشته باشد تا فعالیت‌های این دستگاه‌ها سریع‌تر و تأثیرگذارتر انجام شود»<sup>۲</sup>.

متأسفانه به‌رغم تلاش بسیار، گزارشی از عملکرد کمیسیون فرهنگی مجلس به‌دست نیامد تا بتوان به تبیین نقاط قوت و ضعف آن در ادوار مختلف پرداخت.

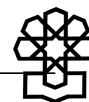
اما بنا به گفته عباسعلی اختری رئیس سابق کمیسیون فرهنگی مجلس:

«کمیسیون فرهنگی اقدامات بسیار مهمی را در زمینه طرح‌ها و لوایح داشته و از آن جمله می‌توان به طرح تسهیل ازدواج جوانان با عنوان احداث مسکن موقت و واگذاری به زوج‌های جوان به مدت ۳ سال با استفاده از تسهیلات رفاهی دولتی و عمومی برای مراسم ازدواج به قیمت کارکنان رسمی، اعطای کمک هزینه زندگی حداکثر به مدت ۲ سال به زوج‌هایی که شغل یا منبع درآمدی ندارند، فرهنگ‌سازی و ترویج الگوهای مطلوب ازدواج و طرح سامان‌دهی مد و لباس با عنوان حفظ و تقویت فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی، ارج نهادن و تثبیت و ترویج الگوهای پوشش ملی و هدایت بازار تولید و عرضه پوشاک براساس طرح‌ها و الگوهای داخلی اشاره کرد»<sup>۳</sup>.

۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۳/۲۶.

۲. همان.

۳. اختری، عباسعلی، جام جم، ۵ تیر، ۱۳۸۷.



به طور کلی می‌توان گفت مجلس یکی از نهادهای برجسته‌ای است که می‌تواند در رفع مظلومیت از فرهنگ نقش و تأثیر بسزایی داشته باشد و این امر با استفاده از نیروها و افراد متخصص در حوزه فرهنگ در کمیسیون فرهنگی و تعامل این کمیسیون با دیگر دستگاه‌ها شکل مهم‌تری خواهد گرفت.

### ۷-۳. شوراهای اسلامی (شهر و روستا)

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل اولین مجلس خبرگان، موضوع شوراهای اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح و تثبیت شد.

اولین قانون شوراهای اسلامی کشور در سال ۱۳۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و پس از پنج نوبت تغییر و اصلاح، نهایتاً در پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵ آخرین اصلاح آن انجام شد و در ۱۷ اسفند سال ۱۳۷۷ اولین دوره انتخابات سراسری شوراهای اسلامی کشور برگزار شد و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ شوراهای اسلامی کشور فعالیت خود را آغاز کردند.

مروری بر وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی نشانگر نقش بسزای این شوراهای در امور فرهنگی است که در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱. بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه مربوط و تهیه طرح‌ها، پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این موارد برای برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی‌ربط،
۲. همکاری با مسئولین اجرایی و نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط،
۳. برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی و آموزشی و سایر امور رفاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط.
۴. تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.

با توجه به وظایف بالا، در شوراهای اسلامی کمیسیونی به نام کمیسیون فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شده است که طبق مصوبه آیین‌نامه داخلی شوراهای، بررسی پیرامون مسائل مربوط به خدمات شهری، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی، تفریحی و ورزشی و امور جوانان را برعهده دارد.



شوراها به عنوان هدایتگر، ناظر و حامی حقوق شهروندان می‌توانند نقش مؤثری در تعریف و ترویج فرهنگ ایفا کنند. اگر فرهنگ سکنه شهری دارای جهت‌گیری مثبت باشد، آثار مطلوبی بر محیط اجتماعی شهر خواهد داشت که کاهش انحرافات و تخلفات از مهم‌ترین دستاوردهای آن خواهد بود و در رأس همه آنها ترویج تقوای اجتماعی است که همانا رعایت حقوق ساکنان شهر و اعضای اجتماع است که باید نسبت به هم رعایت کنند. این مسئله در صورتی محقق خواهد شد که تعریف مشخصی از حقوق شهروندی داشته باشیم و سپس با ترویج و آموزش آن، این مسئله را به نحو شایسته تحقق بخشیم. اینجاست که نقش شوراهای اسلامی به‌عنوان هدایتگر، ناظر و حامی حقوق شهروندان بسیار حیاتی جلوه می‌کند و آنها باید با الهام از تعالیم دینی، کتب آسمانی، احادیث و روایات بزرگان، مقررات و قوانین موجود و دستاوردهای مثبت اجتماعی در سایر جوامع و نظایر آن، مقررات اجتماعی و باورهای فرهنگی را طوری جهت‌دهی کنند که برقراری و تحکیم پیوندهای سالم اجتماعی و غنی‌سازی فرهنگ جامعه شهری در حالت حداکثر صورت پذیرد.

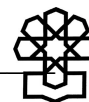
#### ۸-۳. نقش وسایل ارتباط جمعی

مبادله اطلاعات، کار ویژه اصلی رسانه‌های جمعی است و توسعه فرهنگی نیز به‌عنوان یکی از زمینه‌های اساسی پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی، از وظایف مهم وسایل ارتباط جمعی است. نفوذ اجتماعی وسایل ارتباط جمعی، از بدو پیدایش کم‌وبیش مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه اینکه عموماً و اساساً با همین هدف تأثیرگذاری بر روی جامعه ابداع شده‌اند.<sup>۱</sup> رسانه‌ها نقش بالقوه معناداری در شکل‌گیری ادراک و افکار بازی می‌کنند. رسانه‌ها، تکثیرکنندگان شخصیت متحرک و قالب ذهنی متناسب با آن هستند و در شکل‌دهی افکار عمومی نقش اساسی دارند. افکار عمومی دارای ساختار ارتباطی است که رهبران فکری نقش اساسی در شکل‌گیری آن دارند.<sup>۲</sup>

رسانه‌ها باید در راستای چشم‌انداز توسعه، اولویت‌گذاری شوند تا با شناخت نیازهای عصری، بازسازی نظم و ایجاد نظم نوین در جامعه، توجه به انباشت سرمایه، ترویج کار و اخلاق کار، توجه به سازمان‌های مغز بنیادین، توجه به دگرگونی‌های بنیادین فرهنگ، توان

۱. رفیع‌پور، فرامرز، وسایل ارتباط جمعی و تفسیر ارزش‌های اجتماعی، تهران، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۱.

۲. آغان، محمدحسن و جعفرنژاد، سیدابوالفضل، «نقش رسانه‌ها و افکار عمومی در سازمان‌دهی توسعه و بهبود افق چشم‌انداز توسعه»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی - مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۲۲۴.



ایجاد تنوع اجتماعی را در دستور کار خویش قرار دهند تا بتوانیم شاهد بالندگی و آفرینش فرهنگی در منطقه باشیم.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد که (در رسانه‌ها) بهره‌گیری از پیام‌های مثبت که مهم‌ترین آن اشاعه فرهنگ، ترویج و تمرین برای زندگی جمعی، گفت‌وگو، تساهل و ... است نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.<sup>۲</sup>

رسانه‌ها بستر ساز توسعه همه‌جانبه کشور و هموارکننده راه رشد و بسط اخلاق، معنویت و ارزش‌های دینی در جامعه هستند. رسانه‌های جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات افکار عمومی را می‌سازند و افکار عمومی مسیر حرکت جامعه را مشخص می‌کند.<sup>۳</sup> از دیدگاه یونسکو، رسانه‌ها نیروی محرک و تهدیدکننده فرهنگ هستند. رسانه‌های جمعی خواه‌ناخواه در برابر فرهنگ، مسئولیتی عظیم، برعهده دارند. زیرا تنها آن را انتقال نمی‌دهند؛ بلکه محتوای آن را نیز انتخاب می‌کنند و سرچشمه آن هستند.<sup>۴</sup>

رسانه، گذشته از آنکه خود فرهنگ غالبی را ترویج می‌کند، از عناصر فرهنگ‌ساز است. رسانه‌ها، آینه تمام و کمال فرهنگ کلی جامعه هستند و نقش فرهنگ‌سازی و همبستگی اجتماعی در ذات یک رسانه نهفته است. رسانه‌ها با انعکاس داده‌های فرهنگی یک جامعه باید کوشش کنند که مینیاتوری از فرهنگ کلی جامعه باشند. سیاست فرهنگ‌گرا باید در رسانه در دستور کار قرار گیرد تا بتوان انتظار داشت نقش اساسی در راستای توسعه دارند. رسانه‌ها با ایجاد روابط پویا با عناصر گوناگون نظام اجتماعی و فرهنگی به انباشت حافظه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کرده و فرهنگ را شکل می‌دهند.<sup>۵</sup>

### نقش رسانه‌ها در جامعه

به‌طور کلی رسانه‌ها در جامعه نقش‌های متفاوتی را بازی می‌کنند. بعضی از آنها عبارت‌اند از:  
۱. رسانه‌ها می‌توانند نقش نورافکن را بازی کنند. از یک طرف به طرح سوژه‌های مناسب در راستای نیازهای توسعه‌ای در جامعه بپردازند و از طرف دیگر نیازهای توسعه‌ای را در جامعه برجسته کنند.

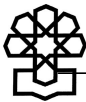
۱. همان.

۲. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعاتی، ظهور جامعه شبکه‌ای، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۱۷.

۳. آغاز، محمدحسن، همان، ص ۲۳۵.

۴. یونسکو، ۱۳۶۹، ص ۶۷.

۵. همان، ص ۲۳۹.



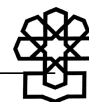
۲. رسانه‌ها، آینه تمام و کمال فرهنگ کلی جامعه هستند و نقش فرهنگ‌سازی و همبستگی اجتماعی در ذات یک رسانه نهفته است.
  ۳. رسانه‌ها باید با گسترش آفرینندگی در جامعه، به پویایی آن کمک کرده و نقش اساسی خود را در بستر آن فراهم کنند.
  ۴. رسانه‌ها در عصر حاضر در تعامل کامل با دیگر بخش‌های جامعه هستند. این نقش اثر اساسی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای جامعه دارد.
  ۵. رسانه‌ها گذشته از اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، نقش کنترل‌کننده اساسی را در حوزه توسعه می‌توانند بازی کنند. متأسفانه مدیریت توسعه در جامعه دچار آسیب‌های فراوانی شده است. تا زمانی که مشکلی در حوزه افکار عمومی طرح نشود، رخوت و سستی بعضی از مدیران باعث کندی امر توسعه می‌شود، بنابراین رسانه‌ها می‌توانند نقش کنترل‌کننده بسیار مناسبی در جهت پیشبرد برنامه‌ها داشته باشند.
- مشکل اصلی رسانه‌ها و دستگاه اطلاع‌رسانی کشور، ناکامی در فرهنگ‌سازی مناسب و تأثیرگذاری بر مردم و تغییر رفتار و باورهای فرهنگی جامعه است.

#### فصل چهارم - مدیریت و مهندسی فرهنگی

امروزه به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی که امکان انتقال و تهاجم فرهنگی را به شدت و سرعت فراهم کرده است، فرهنگ‌ها در هم تنیده شده و هر فرهنگی هم‌زمان در مکان‌های مختلفی حضور دارد. بنابراین مسئله مدیریت فرهنگی هم به همین نسبت پیچیده‌تر شده است.<sup>۱</sup> اگر بنا داریم که کار فرهنگی انجام دهیم و یک گام پیشتر برویم و جدی با مسئله فرهنگ برخورد کنیم و بخواهیم مثلاً فلان میلیارد تومان بودجه‌ای که صرف امور فرهنگی می‌شود را درست هزینه و تبدیل به رشد فرهنگی کنیم، آنگاه باید دنبال افراد لایقی باشیم که بتوانیم مدیریت فرهنگی را به آنها بسپاریم.<sup>۲</sup>

۱. قربانی، علی حسین، بررسی اصول و مبانی مدیریت فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۶۴.

۲. همان.



در بحث مدیریت فرهنگی، آنچه اهمیت دارد شناخت و توجه به عناصر فرهنگی جامعه است. آنچه تاکنون در کشور رخ داده است، نشانگر این واقعیت است که برای شناسایی و تقویت سنت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی مناسب برای توسعه، تلاش سنجیده و نظام‌مندی انجام نشده است.<sup>۱</sup>

مدیریت فرهنگی، مدیریت پویا، پیش‌نگر و آینده‌نگر است. دیدگاه مدیر فرهنگی باید کلان‌نگر و کیفی‌نگر باشد. مدیر فرهنگی عامل زمان و مکان را در رویکرد خود حذف می‌کند. محیط و عرصه کار یک مدیر فرهنگی محیط کلانی است که حداقل دایره آن کشور است. بنابراین یکی از ضرورت‌های ویژه برای مدیر فرهنگی شناخت محیط خود است. مدیر فرهنگی نیازمند رصد دائمی محیط فرهنگی است و یکی از دلایل ناکارآمدی مدیران فرهنگی این است که آنها فاقد شناخت تغییرات فرهنگی محیطشان هستند.<sup>۲</sup>

از دیگر چالش‌های مهم مدیریت فرهنگی در ایران، بی‌ثباتی مدیریت است، به این معنا که انتصاب مدیران فرهنگی از مدیران عالی تا مدیران عملیاتی تابع نوسانات سیاسی جامعه است و به همین دلیل دوره مدیریت آنان بسیار کوتاه است و این امر با برنامه‌ریزی‌ها و تداوم برنامه‌ها که ماهیتی درازمدت دارد، سخت در تضاد است، و این بی‌ثباتی به‌عنوان چالشی، فرایند توسعه فرهنگی را به تعویق خواهد انداخت.<sup>۳</sup>

در بررسی‌ها و پژوهش‌های به‌عمل آمده، یکی از آسیب‌ها و موانعی که توسعه فرهنگ دینی و حاکمیت دینی را در حوزه مشروعیت و توانمندی به چالش کشانده است، ضعف عملکرد شبکه مدیریتی کشور در سازمان‌دهی امور اداری و ضعف برخورد دستگاه‌های مرتبط با فساد اداری، اقتصادی و رانت‌خواری است که در نتیجه فاصله فقر و غنا زیاد شده و رشوه‌خواری و رانت‌خواری بعضی از کارگزاران حکومت و وابستگان آنها و دنیاگرایی و تجمل‌پرستی برخی دیگر، چهره دین، فرهنگ دینی و حکومت دینی را در جامعه مخدوش ساخته است.<sup>۴</sup>

فقدان تفکر استراتژیک در مدیران عالی فرهنگی از دیگر کمبودهای اساسی نظام فرهنگی به‌شمار می‌رود. تفکر استراتژیک باید در دو سطح متفاوت ولی مرتبط به هم مورد توجه قرار

۱. زارع، بیژن، توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۲، ص ۸.

۲. اصفهانی، مینا و کاوسی، اسماعیل، «مدیریت فرهنگی و چشم‌انداز بیست ساله»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ص ۱۵۵.

۳. تصدیقی، فروغ و محمدعلی، همان، ص ۲۶۳.

۴. ابوالقاسمی، محمدجواد، به‌سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران، تهران، عرش‌پژوه، ۱۳۸۴، ص ۹۶.



گیرد: سطح فردی و سطح سازمانی. یکپارچه‌سازی تفکر استراتژیک در این دو سطح، قابلیت‌های حیاتی در نهاد فرهنگ ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

بنابراین، یکی از دلایل مهم وجود نابسامانی در عرصه فعالیت‌های فرهنگی جامعه که منجر به مظلومیت فرهنگ شده است، فقدان مدیریت کارآمد فرهنگی است که نمونه آن موازی‌کارهای سازمانی و عدم استفاده بهینه از فرصت‌های موجود است. به‌طور خلاصه، مهم‌ترین چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی در کشور را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد:

۱. نبودن روش مبتنی بر مدیریت راهبردی در تدوین اهداف و برنامه‌های فرهنگی کشور،
۲. نداشتن اهداف استراتژیک در حوزه فرهنگ،
۳. عدم وجود ارتباط بین شاخص‌ها و اهداف کشور در حوزه فرهنگ،
۴. مشخص نبودن اقدامات لازم برای تحقق اهداف و تقویت هر یک از شاخص‌ها،
۵. نبود نظام پایش مناسب برای بررسی درجه انحراف از اهداف،<sup>۲</sup>
۶. تأثیرپذیری رفتارهای فرهنگی از چهار سطح جهانی، ملی، دینی و قومی - محلی.

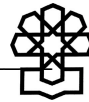
تحول در شبکه مدیریتی کشور مبتنی بر شاخص‌های اصلی فرهنگ دینی و مبارزه بی‌امان با دنیاگرایی، تجمل‌پرستی و سوءاستفاده مالی و اقتصادی وابستگان به حکومت و هر عامل دیگری است که سبب افزایش فاصله فقر و غنا، پیدایش اشرافی‌گری دینی و پایین آمدن شاخص‌های فرهنگ دینی در کشور می‌شود و در نتیجه چهره دین، فرهنگ دینی و حکومت دینی را در جامعه مخدوش می‌کند.<sup>۳</sup>

#### ۱-۴. وضعیت مدیران فرهنگی در کشور

نتایج به دست آمده از یک تحقیق از معاونان، مدیران و سایر مسئولان دو اداره آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان در مورد نقش مدیریت‌های فرهنگی در ارتقا یا تنزل فعالیت‌های فرهنگی نشان می‌دهد:

۱. در بسیاری از موارد، مدیران فرهنگی از نگرش‌ها و دیدگاه‌های مطلوب برای تصدی مشاغل فرهنگی و تصمیم‌گیری در این حوزه خطیر برخوردار نیستند.

۱. احمدوند، شجاع، «تحول شبکه‌های اشاعه فرهنگی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۲، ص ۷۶.  
 ۲. خادم، امیررضا و اسماعیل، علیزاده، «مدیریت راهبردی فرهنگ - چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ص ۱۸۵.  
 ۳. همان، ص ۹۷-۹۸.



۲. در مواردی تخصص و تحصیلات این گروه از مدیران با ماهیت فعالیت آنها دارای ارتباط کامل نیست.
  ۳. بسیاری از مدیران فرهنگی، دوره‌های لازم (رسمی و غیررسمی) درباره امور فرهنگی و مسائل حوزه تخصصی خویش را طی نکرده‌اند.
  ۴. به نظر می‌رسد در میان مدیران فرهنگی نوعی عمل‌زدگی و گرایش به افزایش کمی فعالیت‌ها غالب شده و مسائل کیفی و محتوای فعالیت‌های فرهنگی در حد لازم مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
  ۵. معضل موازی‌کاری در امور فرهنگی به‌ویژه در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها نیز وجود دارد.
  ۶. میزان انگیزش در انجام فعالیت‌های فرهنگی در سطوح مختلف مدیریت به‌ویژه سطوح میانی و عملیاتی ضعیف و اندک به نظر می‌رسد.
  ۷. اغلب مدیران فرهنگی با اهداف و اصول سیاست‌های فرهنگی کشور در حد لازم آشنا نیستند.
  ۸. در بعضی از دستگاه‌های فرهنگی بین مباحث فرهنگی و سیاسی ادغام و خلط صورت گرفته است.
  ۹. کمبود ارتباط بین نهادهای مذهبی به‌ویژه حوزه‌های علمیه و عدم تبیین و تعریف جهت‌گیری‌های فرهنگی.
  ۱۰. غالب سازمان‌های فرهنگی از تأثیر واقعی فعالیت‌های خود بر مردم بی‌خبر هستند و بازخور خوبی از محیط ندارند.
  ۱۱. جابه‌جایی زیاد مدیران فرهنگی در سازمان‌ها وجود دارد.<sup>۱</sup>
- به‌طور کلی، اگر قرار است که واقعاً بعد فرهنگی مدنظر قرار بگیرد، آموزش و افزایش آگاهی تصمیم‌گیران و مدیران درباره امور فرهنگی، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نقش مؤثری ایفا نماید.

## ۲-۴. مهندسی فرهنگی

---

۱. خردمند، عزیزالله، «نقش مدیریت‌های فرهنگی در ارتقا یا تنزل فعالیت‌های فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا محمد ظاهری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱، ص ۸۱-۸۲.



مهندسی فرهنگی، در ادبیات ما اصطلاح تازه‌ای است که در سال ۱۳۸۱ در بیانات رهبر معظم انقلاب از آن استفاده شده است.

به دنبال چالش‌های اساسی پیش‌روی مدیریت فرهنگ و دیگر مسائل و مشکلات حوزه فرهنگ در کشور، مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۲۶ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بر لزوم مهندسی فرهنگی تأکید کردند:

«این مجموعه در کشور بی‌بدیل است. در مدیریت راهبردی فرهنگی، ما به غیر از این مجموعه، هیچ مرکزی در کشور نداریم. بخش‌های مختلف، چه دولت، چه مجلس، چه حتی مجمع تشخیص مصلحت وظایفی دارند، اما هیچ‌کدام وظیفه‌ای را که این شورا (مهندسی فرهنگی کشور) برعهده دارد، برعهده ندارند. بنابراین [این] مرکز بی‌بدیل است. اینجا را در واقع باید اتاق فرمان فرهنگی کشور و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد.»

مهندسی فرهنگی عبارت است از: طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ.<sup>۱</sup> مهندسی فرهنگی کشور به مفهوم مهندسی کلان کشور، نظامات، سازمان‌ها، سیاست‌ها و قوانین و سازوکارها بر مبنای اهداف فرهنگی است.<sup>۲</sup>

مهندسی فرهنگ به بیان مقام معظم رهبری عبارت است از:

«... از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است، یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و صیورورت بخش و کیفیت بخشی که فرهنگ نامیده می‌شود و درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید، چگونه باید باشد. اشکالات و نواقص چیست؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟»<sup>۳</sup>

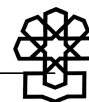
مهندسی فرهنگی که در چند سال اخیر به‌طور مکرر از طرف مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است، بیانگر لزوم توجه بیشتر به عرصه فرهنگ و رفع محرومیت و مظلومیت از این حوزه مهم و حیاتی است.

به این منظور، نظام‌های جامعه به مدیریت راهبردی (استراتژیک) نیازمند هستند. نظام‌های چهارگانه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی (مدل پارسونز) در جهت تحقق اهداف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه باید مدیریت راهبردی شوند تا سازمان‌هایی که در هر یک از

۱. ناظمی اردکانی، مهدی، «درآمدی بر مهندسی فرهنگ»، دو هفته‌نامه مهندسی فرهنگی، ویژه همایش ملی مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۵، ص ۱۱.

۲. ناظمی اردکانی، «مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت کشور»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۵/۹/۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۸.



این حوزه‌ها، فعالیت و حیات دارند، امکان مدیریت راهبردی و مدیریت داشته باشند و در مجموع بتوانند اهداف نظام‌های مربوطه را محقق کنند.<sup>۱</sup>

دستگاه‌های فرهنگی زمانی می‌توانند به اهداف خود دست پیدا کنند و مدیران آنها می‌توانند نسبت به دستگاه خود، مدیریت راهبردی اعمال کنند که مقدم بر آن، نظام فرهنگی مدیریت راهبردی شده باشد و دارای سیاست‌ها و استراتژی روشن، قابل فهم، قابل حصول و قابل ارزیابی برای دستگاه‌های فرهنگی باشد.<sup>۲</sup>

بنابراین برای اداره کشور در همه ابعاد و زمینه‌ها ما به مهندسی فرهنگی که دارای استانداردهای دقیق علمی باشد و بتواند درجه فرهنگی بودن هر طرح یا سازمان یا جایگاهی را به درستی امتیازدهی و تعیین کند، نیاز داریم.<sup>۳</sup>

هدف از مهندسی فرهنگی کشور بازبینی تعاملات متغیرهای فرهنگی در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و به‌طور مشخص زمینه‌سازی برای عینیت بخشی به سند چشم‌انداز بیست‌ساله در موعد زمانی مقرر است.<sup>۴</sup>

در مهندسی فرهنگی کشور باید به نکاتی توجه داشت:

۱. باید به جای اتکا به امکانات نامسلم آینده و خیال‌پردازی و اتوپیاگرایی نامحدود به امکانات حتمی حال متکی شد و براساس امکانات موجود برای آینده مهندسی کرد.

۲. باید برای مهندسی فرهنگی ضمن داشتن یک طرح کلان، طرح‌های جزئی، عملیاتی و موردی برای هر یک از شئون فرهنگ ارائه کرد. طرح‌های صرفاً کلان و نامحدود به‌ندرت تحقق می‌پذیرد.

۳. در طراحی و مهندسی فرهنگی باید طرح‌های اصلاحی را چنان ترسیم کرد که در زمانی به نسبت کوتاه اجرا شود. طرح‌های طولانی مدت ممکن است با دشواری‌هایی برخورد کنند و مردم خسته شوند و این طرح‌ها را فقط یک شعار تلقی کنند.

۴. برای تنظیم و اجرای نقشه‌های اصلاحی باید از آخرین اختراعات و اکتشافات انسانی سود جست.<sup>۵</sup>

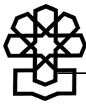
۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، «درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور»، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۸۱

۲. همان، ص ۸۲

۳. همان، ص ۱۷

۴. عیوضی، محمدرحیم، «ضرورت‌های تفسیر جدید مهندسی فرهنگی» مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۱، ص ۲۷۰

۵. رحمانی فیروزجاه، علی، «ضرورت و روشی برای مهندسی فرهنگی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۱، ص ۲۳۰



## فصل پنجم - جایگاه دولت در حوزه فرهنگ

در زمینه مرکزیت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ دو نظریه عمده وجود دارد. نظریه اول معتقد به عدم دخالت نهاد دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی است و نظریه دوم اعتقاد به ایفای نقش مؤثر دولت و حضور آن در سطح مدیریت مسائل فرهنگی دارد.<sup>۱</sup> اما استدلال‌ها و دلایل فراوانی برای حضور مؤثر دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

ضرورت هدایت و سرپرستی تمام شئون زندگی اجتماعی در جهت سعادت، قانونمندی و ضابطه‌مندسازی فرهنگ، مقابله با هرج و مرج فرهنگی، اتخاذ موضع فعال فرهنگی در نظام موازنه جهانی، جلوگیری از ورود فرهنگ فاسد بیگانه به عرصه فرهنگ اسلامی، استقلال فرهنگی و .... از جمله دلایل حضور دولت در برنامه‌ریزی فرهنگی است.<sup>۲</sup>

مقام معظم رهبری درباره جایگاه دولت در مدیریت فرهنگی چنین می‌فرماید:

«مدیریت فرهنگی به مفهوم وجود یک دستگاه متفکر، مدیر و مدبر است که قادر است فرهنگ یک کشور را قانونمند و ضابطه‌مند سازد، بنابراین مدیریت فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی قرار دارد و مرکز این مدیریت نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»<sup>۳</sup>

در سندی که در سال ۱۹۸۲ در کنفرانس جهانی مکزیکوسیتی منتشر شده، آمده است:

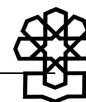
«با توجه به اختلافات موجود در دیدگاه‌های میان نظام‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون، مسئولیت مقام‌های عمومی در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی، امروزه توسط کلیه دول عضو به رسمیت شناخته شده است. از آنجا که دسترسی به فرهنگ و مشارکت در آن به عنوان حق ذاتی هر عضو یک جامعه شناخته می‌شود، این مسئولیت برعهده کلیه دولت‌ها گزارده شده تا شرایطی فراهم آورند که همگان قادر به اعمال این حق باشند. پس همان طور که دولت‌ها برای اقتصاد، علم، آموزش و پرورش و رفاه سیاست‌گذاری می‌کنند، در مورد فرهنگ نیز سیاست‌هایی طراحی می‌شود.»<sup>۴</sup>

۱. غلامپور آهنگر، ابراهیم، «جایگاه دولت در عرصه فرهنگ»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. مقام معظم رهبری، کیهان، ۱۳۷۷/۱۰/۱۶.

۴. اجلالی، پرویز، همان، ص ۵۰-۵۱.



در جدول زیر توزیع فراوانی مربوط به دخالت دولت در امور فرهنگی آورده شده است. آمار و ارقام این جدول براساس پژوهش انجام شده در سال ۱۳۸۳ و نتایج استخراج شده از محتوای پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط صاحب‌نظران حوزه فرهنگ استخراج شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی مربوط به میزان دخالت دولت در امور فرهنگی<sup>۱</sup>

ردیف	شاخص (درصد)	شرح عنوان (دخالت دولت در امور فرهنگی)
۱	بزرگ‌ترین شاخص (۹۲)	فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای تحقیق و توسعه
۲	کوچک‌ترین شاخص (۵۴)	مشارکت در تهیه محصولات و خدمات فرهنگی
۳	بالاتر از میانگین:	
۳-۱	۸۱	برنامه‌ریزی و تخصیص منابع
۳-۲	۸۲	حمایت از نهادهای فرهنگی مردمی در انجمن‌های صنفی
۳-۳	۸۲	تلاش در جهت جهانی کردن فرهنگ اسلامی و ملی جمهوری اسلامی ایران
۳-۴	۸۶	هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری و ارائه راهبرد
۳-۵	۸۸	حمایت از نهادهای عمومی فرهنگی

بنابراین، پیشبرد زندگی فرهنگی ملت یکی از وظایف دولت است. همان‌طور که حکومت‌ها در مسائل اقتصادی و سیاسی برنامه دارند، باید در مورد فرهنگ نیز برنامه داشته باشند و این مستلزم سازمان‌دهی وسایل در سطحی عظیم است. باید نقشه‌ای داشته باشند که در آن هدف‌هایی سازگار با نیازها و آرزوهای جامعه و وسایل رسیدن به آن هدف‌ها تشریح شده باشد. با این همه نگرانیم اشتباهی در برداشت رخ دهد. مقصود آن نیست که دولت باید محتوای فرهنگ را تعیین کند یا درباره ارزش صورت‌های گوناگونی که فرهنگ به خود می‌گیرد یا آثاری که در آن بیان خود را می‌یابد به داوری بنشیند. یقیناً این نوع نگاه به نقش دولت در فرهنگ قابل قبول نیست؛ زیرا محدودکننده رشد و بالندگی فرهنگ است. منظور آن است که دولت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل در جنبه‌های کلان فرهنگی داشته باشد و هر یک از نهادهای فرهنگی نیز برنامه‌های خرد فرهنگی را طراحی و تعقیب کنند.

یکی از چالش‌های پیش‌روی دولت، گسترش تصدی‌گری دولت در امور فرهنگی است که موجب بازماندن دولت از تدوین به‌موقع راهبردها و سیاست‌های فرهنگی شده است.

#### ۵-۱. اختیارات دولت

آگوستین ژیراد در مورد اختیارات دولت در زمینه‌های فرهنگی به موارد زیر اشاره دارد:

۱. ناظمی اردکانی، مهدی و کشاورز، سوسن، همان، ص ۲۰۵.



۱. افزایش دسترسی به فرهنگ، دمکراتیک‌سازی، تمرکززدایی و انگیزش زندگی فرهنگی مردم،
۲. پرورش فعالیت‌های آفریننده، ارائه زمینه فعالیت برای بسیاری از مهارت‌ها و استفاده بهتر از استعدادها و بالا بردن سطح زندگی هنرمندان و کسانی که به‌طور حرفه‌ای دست‌اندرکار فعالیت‌های فرهنگی هستند،
۳. نوسازی مؤسسات فرهنگی سنتی،
۴. تقویت توان ملی برای تولید فرهنگی،
۵. حصول اطمینان از نفوذ فرهنگی کشور در خارج و حفاظت از استقلال فرهنگی آن.<sup>۱</sup>

## ۲-۵. پیشنهادهایی درباره دخالت بهینه دولت

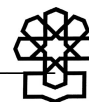
۱. تقویت جنبه‌های نظارتی دولت و کاهش تصدی‌گری دولت در عرصه فرهنگ،
۲. حمایت از فرهنگ و تقویت ارزش‌های پویا و دارای اعتبار همیشگی،
۳. جدا کردن محتوای فرهنگ از بدنه حاکمیت یعنی عدم وابستگی فرهنگی با حکومت که با هر تغییری در آن، فرهنگ دچار چالش و رکود شود،
۴. تقویت فرهنگ بومی برای رویارویی و تعامل منصفانه با دیگر فرهنگ‌های جهان،
۵. کنترل ابتدال فرهنگی و تهیه خطوط قرمز برای فرهنگ با توجه به مقتضیات،
۶. تدوین قوانین منسجم و آینده‌دار چنان‌که برای چندین سال دارای اعتبار باشد،
۷. تضمین آزادی‌های مشروع هنرآفرینان فرهنگی تا امکان خلاقیت و نوآوری فراهم باشد،
۸. تقویت ساختار حاکمیتی فرهنگ و سامان‌دهی مناسب امور اجرایی.
۹. فراهم‌آوری زمینه‌های مناسب برای مشارکت هر چه بیشتر مردم در زندگی فرهنگی خود.<sup>۲</sup>

## فصل ششم - راهکارهای کلی

### ۱-۶. راهبردی

۱. شناسایی دستگاه‌های فرهنگی و تعیین حدود وظایف و اختیارات و هماهنگی بین آنها برای جلوگیری از موازی‌کاری،

۱. یونسکو، منابع فرهنگی (مانعی بر سر راه آینده، فرهنگ)، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، معاصر، ۱۳۸۰، ص ۴۱۷.  
۲. غلامپور آهنگر، ابراهیم، «جایگاه دولت در عرصه فرهنگ»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی، ج ۱، ص ۳۶۱.



۲. تقویت نیروی انسانی نهادهای فرهنگی و به‌کارگیری افراد نخبه و کارشناسان آگاه به مسائل حوزه فرهنگ.
۳. تدوین استراتژی، دکترین و تاکتیک فرهنگی مشخص.
۴. تربیت و آموزش مدیران فرهنگی برای برنامه‌ریزی و اجرای بهینه امور فرهنگی.
۵. تبیین برنامه و نظام کارآمد برای نظارت بر وضعیت فعالیت‌های فرهنگی.
۶. افزایش بودجه فرهنگی و تخصیص بهینه آن به دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی.
۷. تعیین نقش کمیسیون فرهنگی شوراهای اسلامی جهت فعالیت بیشتر و بهتر آن.
۸. تهیه بانک اطلاعات فرهنگی کشور.
۹. طراحی ساختار بهینه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. افزایش و توسعه فرهنگسراهای فرهنگ برای ترویج و ارتقای سطح فرهنگ جامعه.
۱۱. توجه به رویکرد فرهنگی به‌عنوان رویکردی غالب در تمام دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها.

## ۲-۶. مفهومی

۱. تحکیم مبانی فرهنگ اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی.
۲. غنی‌سازی محتوای دروس دینی مدارس و دانشگاه‌ها و تجدیدنظر در روش آموزش این دروس.
۳. آسیب‌شناسی فرهنگ جهت برنامه‌ریزی بهتر.
۴. ترویج و تقویت هویت فرهنگی از طریق رسانه‌ها.
۵. نهادینه کردن فرهنگ ضابطه به‌جای رابطه در توزیع قدرت اداری و سیاسی.
۶. برنامه‌ریزی در جهت ترویج فرهنگ مشارکت عمومی.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان گفت بعد از مسئله تهاجم فرهنگی و انتقال باورها و فرهنگ‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی از طریق وسایل ارتباط جمعی در جامعه، مهم‌ترین مشکل در حوزه فرهنگ، ناشی از عدم آگاهی کامل از مفاهیم و تأثیرگذاری فرهنگ و روشن نبودن جایگاه و نقش آن در میان مدیران اجرایی، کارشناسان و مدیران فرهنگی و نیز عدم باور نقش بسزای فرهنگ در مسیر توسعه و در نتیجه محور قرار گرفتن سیاست و اقتصاد در تحولات اجتماعی است.

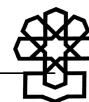


پس برای رفع مظلومیت از مقوله فرهنگ و گسترش آن در جامعه، لازم است ابتدا مسئولان و مدیران ارشد، نقش برجسته فرهنگ را باور کنند و سپس با بررسی و شناخت وضعیت موجود و درک صحیح از جامعه، پیچیدگی، چالش‌ها و آسیب‌های فرهنگی موجود، با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب و صحیح برای حل بحران فرهنگی کشور اقدام کنند. در کشور ما - که ماهیتی فرهنگی دارد - باید سیاست‌های کلی نظام با محوریت سیاست‌های فرهنگی تدوین شود و در مقام اجرا نیز سیاست‌های فرهنگی مقدم بر سیاست‌های دیگر مورد نظر قرار گیرد.

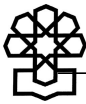
به‌طور کلی، برای تقنین در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی، توجه به بعضی زمینه‌های فرهنگی ضروری است: گسترش رشته‌های مدیریت فرهنگی و موضوعات وابسته در دانشگاه‌ها و کلیه مراکز آموزشی و استفاده از مدرسان برجسته برای تدریس به دانشجویان و البته تشکیل و تأسیس دانشگاه یا دانشکده‌های فرهنگ، استفاده از مدیران تحصیل‌کرده فرهنگی در امور فرهنگ، انجام پژوهش‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی فرهنگی به‌وسیله کارشناسان نخبه فرهنگی و بهره‌گیری از آنها در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور.

#### منابع و مأخذ

۱. ابوالقاسمی، محمدجواد، به سوی توسعه فرهنگ دینی در ایران، تهران، عرش‌پژوه، ۱۳۸۴.
۲. اجاللی، پرویز، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران، آن، ۱۳۷۹.
۳. ازکیا، مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کلمه، ۱۳۷۹.
۴. اسدی مقدم، کبری، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۸.
۵. اکبری، محمدعلی، «محدودیت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی»، فصلنامه فرهنگ عمومی، ش ۲۲ و ۲۳.
۶. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵.
۷. باقری، محمدرضا، بررسی سیاست‌گذاری در مدیریت کلان فرهنگی ایران، به راهنمایی محمدمهدی مظاهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
۸. برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۲-۱۳۵۳، دی ماه ۱۳۵۱.
۹. بهادری، افسانه، درآمدی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی (طرح پژوهشی)، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ، ۱۳۷۶.
۱۰. پستمن، نیل، نقش رسانه‌های تصویری در دوران کودکی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸.
۱۱. توحیدفام، محمد، موانع توسعه فرهنگی در ایران، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۲. چامسکی، نوام، «ویکرد مهندسی در کنترل پدیده‌های اجتماعی»، تدبیر، ش ۱۵۴، ۱۳۸۵.
۱۳. حریری اکبری، محمد، مدیریت توسعه، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
۱۴. حسین‌لی، رسول، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، آن، ۱۳۷۹.



۱۵. خردمند، عزیزالله، «نقش مدیریت‌های فرهنگی در ارتقا یا تنزل فعالیت‌های فرهنگی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا محمدطاهری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
۱۶. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۳/۲۶.
۱۷. دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، فرهنگ، سیاست و توسعه (مجموعه مقالات گردهمایی سامان‌دهی فرهنگی)، تهران، دال، ۱۳۷۹.
۱۸. دری نجف‌آبادی، قربانعلی، «توسعه فرهنگ و دیدگاه‌های امام خمینی (ره)»، مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
۱۹. دلگران، پیتر، تلویزیون و گستره عمومی، ترجمه مهدی شفقی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۲. زارع، بیژن، توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه، پژوهشگاه، فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۲.
۲۳. ژیرار، آکوستین، توسعه فرهنگی، ترجمه عبدالحمید زرین‌قلم و .....، مرکز پژوهش‌های بنیادی، ۱۳۷۲.
۲۴. سازمان برنامه و بودجه، پیوست ۴ لایحه برنامه، ج ۴.
۲۵. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۲۶. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰، مجلس، تهران، ۱۳۷۴.
۲۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۸. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران، ۱۳۷۹.
۲۹. سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۵.
۳۰. سایت مقام معظم رهبری.
۳۱. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۳۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوب ۱۳۷۱/۵/۲۰.
۳۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، ش ۱۳، آبان و آذر ۱۳۸۶.
۳۴. عباسی، رضا، «مؤلفه‌های فرهنگی از دیدگاه قرآن»، قرآن و توسعه فرهنگی، ج ۱، تهران، فرهنگ مشرق زمین، ۱۳۸۲.
۳۵. عملکرد برنامه اول، ۱۳۷۲.
۳۶. غررالحمک، ج ۶، ص ۳۵۲.
۳۷. فرمپینی فراهانی، محسن، آسیب‌شناسی توسعه فرهنگ دینی: پژوهشی در باب آسیب‌های توسعه فرهنگ دینی در دو دهه گذشته انقلاب اسلامی، تهران، عرش پژوه، ۱۳۸۳.



۳۸. قانون اساسی.
۳۹. قربانی، علی حسین، بررسی اصول و مبانی مدیریت فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴۰. قلی‌زاده، آذر، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، محتشم، ۱۳۷۹.
۴۱. کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعاتی، ظهور جامعه شبکه‌ای، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نور، ۱۳۸۰.
۴۲. کوثری، مسعود و نجاتی حسینی، سید محمود، مشارکت فرهنگی، تهران، آن، ۱۳۷۹.
۴۳. کیهان، راهکارهای مقابله با فقر فرهنگی، ۱۳۸۷/۷/۲۵.
۴۴. گویا، زهرا، «سیر تحول و شکل‌گیری برنامه‌های درسی آموزش متوسطه در ایران» تعلیم و تربیت، ش ۵۷، ۱۳۷۸.
۴۵. مجموعه مقالات اولین همایش ملی - مهندسی فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ج ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵، ۱۳۸۶.
۴۶. مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات، ۱۳۸۴.
۴۷. معلوف، لویس، ترجمه محمد بندرلیگی، تهران، ایران، ۱۳۸۰.
۴۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، صدرا، ۱۳۷۹.
۴۹. مقام معظم رهبری، فرهنگ و تهاجم فرهنگی.
۵۰. مکلوهان، مارشال، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷.
۵۱. منطقی، مرتضی، «بن‌بست آرمان‌گرایی»، همایش ملی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۵۲. ناظم‌زاده، سیداصغر، جلوه‌های حکمت: گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین (ع)، قم، الهادی، ۱۳۷۳.
۵۳. ناظمی اردکانی، مهدی، «درآمدی بر مهندسی فرهنگ»، دو هفته‌نامه مهندسی فرهنگی، ویژه همایش ملی مهندسی فرهنگی، ۱۳۸۵.
۵۴. یونسکو، ۱۳۶۹.
۵۵. یونسکو، ۱۹۸۲.
۵۶. یونسکو، صنایع فرهنگی (مانعی بر سر راه آینده فرهنگ) ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، معاصر، ۱۳۸۰.

57. Dudley, Seers, "The meaning of development in development theory", ed. By David Lehman, Frankcass, 1977.

58. Georges, Tome, "Cultural development and environment", Unesco, 1992.

59. Kuper, Adam and Kuper, Jessica, The Social Encyclopedia, New York, 1985.

60. Tylor. E.B., Primitive culture, New York, 7th ed, 1924.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۴۳۶

عنوان گزارش: مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور

**Report Title:** A Review on Dimensions of Cultural Situation of the Country

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: فاطمه مسعودی

ناظر علمی: سید یونس ادیانی، سیدمحمدعلی دیباجی، جعفر هزارجریبی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۰/۲۸